

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

---

شناسه کتاب

نام کتاب: جستاری در تحریفات آیین عزاداری

تهیه و تدوین: مجتبی فرهنگیان، علی اکبر گندمکار، محمود

حسین زاده خراسانی

صفحه بندی: دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور

مساجد

قطع: رقعی

تعداد صفحه: ۱۲۰ صفحه

چاپ و تیراژ:

تاریخ چاپ: آذرماه ۱۳۸۹

---

جستاری در

# تخریفات آیین عزاداری

تهیه و تدوین:

دفتر مطالعات و پژوهش‌های قم

مرکز رسیدگی به امور مساجد



## فهرست

پیشگفتار	۷
مقدمه	۹
مفهوم شناسی	۱۵
اهمیت عزاداری	۱۷
تبارشناسی عزاداری	۲۰
عزاداری در سنجه عقل و نقل	۲۷
عزاداری امام حسین <sup>۷</sup> در کلام امام خمینی <sup>۱</sup>	۳۷
آسیب شناسی مجالس عزاداری از منظر مقام معظم رهبری	۴۳
استاد شهید مطهری <sup>۱</sup> و بازخوانی فرهنگ عاشورا	۷۱
فقها و عزاداری امام حسین <sup>۷</sup>	۸۷
استفتائات مقام معظم رهبری و مراجع عظام (کثر الله امثالهم)	۹۱
سخن پایانی	۱۰۵



## پیشگفتار

آنچه پیش روی خوانندگان محترم است تهیه و تدوین مطالبی در خصوص تحریفات عزاداری است که توسط دفتر مطالعات قم انجام یافته است. از تهیه کنندگان این اثر آقایان: حجج الاسلام و المسلمین علی اکبر گندمکار، محمود حسین زاده خراسانی و جناب آقای مجتبی فرهنگیان تقدیر و تشکر می‌گردد.





## مقدمه

● مفاهیم خیر و شر فارغ از زادگاه اخلاقی و مباحث حسن و قبح عقلی، خاستگاهی دینی نیز دارند این مفاهیم وقتی که در بستر زمانه مصداق پذیر می‌شوند خاستگاهی تاریخی- مذهبی پیدا می‌کنند و گذر زمان، تکرار و تکرار، مبتنی بر واقعیت و بسیاری از بایسته‌های دیگر این مفاهیم را تبدیل به نظمی اسطوره‌ای - درونی می‌کند که نه تنها حکایت گر یک واقعیت (تاریخی) و حقیقت (نفس الامر) هستند بلکه خصلتی اسطوره‌ای، شیداگرایانه و انگیزشی دارند که در امتزاج با لایه‌های احساسی و عاطفی و برآیندی عرفانی، منظومه‌ای از مفاهیم و معانی پیچیده را در یک بسته معرفتی به ارمغان می‌آورند و مرامنامه‌ای برای یک ملت یا قوم می‌گردند.

● عاشورا پدیده‌ای است که از زوایای مختلفی قابل بررسی است؛ از سویی پدیده‌ای تاریخی است که در یک مقطع زمانی با حضور عناصر شناسه داری یک تراژدی را به بار می‌آورند که قهرمان و ضد قهرمان آن کاملاً شناخته شده و غیر اسطوره‌ای هستند. از سویی روایتی مذهبی است که در یک سوی آن امام معصوم قرار دارد با عده‌ای اریاران و راهی روشن و شعاری شفاف که مبتنی بر حقیقت دینی است و در سوی دیگر کثیری از قدرت پرستان و شوکت گرایان که به دنبال ارتجاع دینی و بازگشت به فرهنگ شیخوخیت، اشرافی‌گری و نظام انسان نا برابر با دستکاری در دین و خلق صورت کاریکاتوری از مذهب هستند. از سویی عاشورا روایتی انسانی، فرا نسلی و فرا تاریخی دارد که پیامی جهانشمول را مخابره می‌کند و در آن جمله تک خطی «رنج برای عدالت و مرگ برای حقیقت» را به بشریت هدیه می‌دهد و هر کسی در هر نقطه‌ای و هر زمانی خود را در معرض این پیام کاملاً انسانی می‌یابد. حاصل این وضعیت، خلق رخدادی بنام «حافظه تاریخی یا وجدان فرا نسلی» است که قرن-ها بعد خود را مخاطب مستقیم این پدیده می‌داند و با آن همزاد پنداری می‌کند و زوایای مختلف دیگری برای کالبد شکافی این موقعیت قابل دسترسی است، نگاه جامعه شناختی، روانشناختی، مردم شناختی و مناسبات قدرت، بررسی‌های قومی و... جملگی می‌تواند رمزگشای حادثه‌ای به این عظمت باشد.

جستاری در تحریفات آیین عزاداری ..... ۱۱

نکته قابل تأمل راز مانایی و جاودانگی این رخداد عظیم است. چون حوادث مشابه در طول تاریخ فراوان اتفاق افتاده است اما آن چیزی که حادثه عاشورا را تبدیل به روایتی فرا تاریخی و ماندگار کرده است نحوه وقوع، پیامهای صادر شده، و معارف ناب انسانی این واقعه و نیز رویارویی تمام قد خیر و شر است.

● عاشورا امروز مجموعه منظمی از ایستارها، نگرش‌ها، باورها، ارزش‌ها و رفتارهای معطوف به این حادثه را در خود دارد که سزاوار نامگذاری « فرهنگ عاشورایی » می‌باشد. بازخوانی سالانه و هر آن این واقعه رمز ماندگاری و جاودانگی شیعه و معارف آن است. عاشورا امروز نه تنها یک فرهنگ بلکه درونی‌ترین و زیرین‌ترین لایه فرهنگی و عرفانی جامعه شیعی است که با تجربه و تکرار در این زیست، جهان عرفانی، انسان مسلمان شیعی خود را هویت و معنا می‌بخشد.

هر حادثه مهمی می‌تواند مولد فرهنگی باشد لیکن عاشورا به خاطر حیثیت ناب معنایی - انسانی واجد فرهنگی کاملاً منسجم، با هارمونی بالا و منطقی شده که خود تبدیل به شناسنامه اندیشه شیعی شده است.

● فرهنگ‌ها بر ساخته جوامع، ذهنیت‌ها و واکنش‌ها می‌باشند لذا در بستر تکرار و تجربه فراز و فرود و نشست و تقب‌هایی را به خود می‌بینند. پس هر فرهنگی می‌تواند تجربه التقاط و امتزاج را در خود بنا به شرایط و موقعیت‌ها ببیند.

عاشورا نیز در حوزه‌های فرهنگی و قومی متکثر و فراوانی که قرار می‌گیرد و لابه‌لای تحولات و شرایط اجتماعی و سیاسی و ارتباطی که می‌نشیند از این قاعده مستثنی نیست. تحریقاتی را تجربه می‌کند گرچه بر این مؤلفه‌ها باید عامل دیگری بنام دشمنان را افزود که در پی تحریف این فرهنگ پایدار و تخریب اندیشه شیعی می‌باشند.

● عاشورا شاید به نسبت دیگر ایستارهای فرهنگی التقاط و تحریف کمتری به خود دیده است علت هم درونی شدن و تهادینه شدن این فرهنگ در ذهن، باور و شخصیت هر انسان مسلمان شیعی است که آنرا بصورت تابلوی نشاندار در طول عمر یدک می‌کشد و غنا و معنا می‌بخشد و جزء لایه‌های زیرین و نهانی فرهنگ اسلامی شده است اما با تمام این پایداری و غنا مصون از تحریف نیست و امروزه متأسفانه در حوزه آئین و مناسک شاهد بروز انحرافات و التقاطاتی بر پیکره این نظام فرهنگی کهن و پویا هستیم.

● روحانیت شیعی در طول تاریخ ثابت کرده است که مهمترین کار ویژه‌اش پاسداری از شریعت و دین و حفظ مرزهای عقیدتی و رفتاری مذهب شیعی است تا بتواند با تفسیر صحیح، زمانمند و عقلانی از آن هم چهره جهانی و محرک آن را حفظ و اعتلاء بخشد و هم اقناع مخاطباتش را در برداشته باشد سنگر روحانیت نیز مساجد است لذا مساجد مهمترین پایگاه تصفیه فرهنگی و پالودگی ناخالصیهاست.

بطور طبیعی وقت در مسئله مهمی بنام عاشورا اتفاقات غیر صحیح در حوزه مناسک رخ دهد این مسئولیت و رسالت متوجه روحانیت و مسجد است که باید در برابر آن بایستد و جامعه را به تعادل بازگرداند- از اینرو واکنش روحانیت و مسجد در مقابل پاره‌ای از ناهنجاریها و نارساییها در فرهنگ عزاداری امری طبیعی است گرچه افراد و گروههایی که بر طبل توسعه این امور می‌کوبند نیز انسانهایی فاقد غرض و دارای حسن نیت باشند.

● آنچه پیش روی خوانندگان محترم است تحقیقی پیرامون عزاداری و ضرورت و حدود آن به‌مراه بررسی تحلیلی عزاداری و مداحی در دیدگاه ارباب معرفت (امام خمینی؛، مقام معظم رهبر، و شهید مطهری؛) است و در بخش پایانی بررسی فتاوای فقهای معاصر پیرامون موضوع عزاداری و حدود و ثغور آن می‌باشد.

مجتبی فرهنگیان

معاونت پژوهش دفتر مطالعات و پژوهش‌های

مرکز رسیدگی به امور مساجد



## مفهوم شناسی

واژه عزا، که واژه عربی است به دو معنی آمده:

۱- به معنی نسبت دادن چیزی به چیز دیگر است.

۲- به معنی تسلی خاطر دادن، صبر و آرامش بخشیدن و تحمل و بردباری<sup>۱</sup> و معادل فارسی آن سوگواری است، نظر به اینکه در سوگواری، نسبت به صاحبان عزا، دل گرمی و دلداری می دهند و علاوه بر اندوه و حزن درونی خود، حزن و اندوه سوگمندان را خالی می کنند، و به جای آن امید و آرامش و صبر و تحمل می بخشند، از آن به عزاداری و به تعبیر روایات تعزیه و تسلیت تعبیر می شود بنابراین فلسفه و اساس عزاداری آرامش بخشیدن و دعوت به صبر و استقامت، و روحیه دادن و نابود نمودن هر گونه

---

۱ - القاموس و المنجد واژه عزی.

۲ - فروع کافی، ج ۳، ص ۲۰۳.

۱۶..... جستاری در تحریفات آیین عزاداری

یأس و ناامیدی و خود زنی و خود خوری و خود باختگی است،  
و نتیجه آن جبران چالش‌ها، و ترسیم خسارت‌ها و نشا بخشی به  
صاحبان اندوهی است که گاهی اندوهشان موجب بیماری روانی  
و سقوط و انحلال می‌شود.



## اهمیت عزاداری

قیام امام حسین<sup>ع</sup> در هر عصر و زمان و برای هر ملت و مردمی پیامی دارد، پیامی که هیچ‌گاه کهنه نمی‌شود. اما در شرایطی که همواره ستم پیشگان و استعمارگران خون آشام در تلاش بوده‌اند تا نقش عاشورا را کمرنگ نموده و بنیانش را براندازند، مؤثرترین عاملی که می‌تواند آن را برای نسلهای آینده حفظ نماید، مراسم سوگواری امام حسین<sup>ع</sup> می‌باشد.

برپا داشتن مراسمی به یاد سید الشهداء<sup>ع</sup> در ایام مختلف بویژه، دهه محرم و روز عاشورا می‌تواند روشی برای احیاء خط ائمه: و تبیین مظلومیت آنان باشد. تأکیدهای فراوان پیامبر<sup>ص</sup> و ائمه: به برپائی مراسم سوگواری نیز هماهنگ با این اهداف عالیه بوده است.

امام صادق<sup>ع</sup> که فرمودند:

«رَحِمَ اللَّهُ شَيْعَتَنَا، شَيْعَتَنَا وَ اللَّهُ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ فَقَدْ وَ اللَّهُ  
شَرَكُونَا فِي الْمُصِيبَةِ بِطُولِ الْحُزْنِ وَالْحَسْرَةِ»<sup>۱</sup>

خداوند شیعیان ما را مشمول رحمت خویش سازد . به خدا  
قسم شیعیان ما همان مومنین اند ، آنان به خدا قسم با حزن و  
حسرت طولانی خویش [در عزای ما] شریک و همدرد مصیبت  
های ما خاندانند.

همچنین ایشان به فضیل می‌فرمایند:

« تَجْلِسُونَ وَ تُحَدِّثُونَ قَالَ نَعَمْ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ إِنَّ تِلْكَ  
الْمَجَالِسَ أَحِبُّهَا فَأَخْبُوا أَمْرَنَا يَا فَضِيلُ فَرَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا يَا  
فُضَيْلُ مَنْ ذَكَرْنَا أَوْ ذُكِرْنَا عِنْدَهُ فَخَرَجَ مِنْ عَيْنِهِ مِثْلُ جَنَاحِ الدُّبَابِ  
عَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَ لَوْ كَانَتْ أَكْثَرَ مِنْ زَبَدِ الْبَحْرِ»<sup>۲</sup>

آیا مجالس عزا بر پا می‌کنید؟! و از اهل بیت و آنچه بر آنان  
گذشته صحبت می‌کنید؟! فضیل گفت : آری قربانت گردم ، امام  
فرمود : این گونه مجالس را دوست دارم پس امر ما را زنده  
گردانید که هر کس امر ما را زنده کند مورد لطف و مرحمت خدا  
قرار می‌گیرد . هر کس از ما یاد کند ، یا نزد او از ما یاد کنند و  
به اندازه بال مگسی اشک بریزد ، خدا گناهانش را بیامرزد اگر  
چه بیش از کف دریا باشد.

امام رضا<sup>۷</sup> در این رابطه می‌فرماید:

۱ - بحار الانوار ، ج ۴۳ ، ص ۲۲۲

۲ - بحار الأنوار ج : ۴۴ ص : ۲۸۲

« مَنْ تَذَكَّرَ مُصَابِنَا وَ بَكَى لِمَا ارْتَكَبَ مِنَّا كَانَ مَعَنَا فِي  
دَرَجَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَنْ ذُكِّرَ بِمُصَابِنَا فَبَكَى وَ أَبَكَى لَمْ تَبْكِ عَيْنُهُ  
يَوْمَ تَبْكِي الْعُيُونُ وَ مَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يُحْيَا فِيهِ أَمْرُنَا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ  
يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ »<sup>۱</sup>

کسی که متذکر مصایب ما شود و به جهت ستم هایی که بر ما  
وارد شده گریه کند ، در روز قیامت با ما خواهد بود و مقام و  
درجه ما را خواهد داشت و کسی که مصیبت های ما را بیان کند و  
خود بگرید و دیگران را بگریاند ، در روزی که همه چشم ها  
گریان است ، چشم او نگرید و هر کسی در مجلسی بنشیند که در  
آن مجلس ، امر ما را زنده می کنند ، روزی که قلب ها می میرند،  
قلب او نخواهد مرد.

اما نکته ای که از تمام این نوع روایات می توان دریافت این  
است که ائمه. به منظور حفظ واقعه کربلا و انتقال فرهنگ آن به  
نسل های آینده، برگزاری مراسم سوگواری ساده و بی آلاشی را  
توصیه می نمودند، اما متأسفانه با گذشت زمان و گسترش مذهب  
تشیع ، این مراسم به پاره ای از آداب و رسوم قومی و ملی و  
سلاقی فردی و جمعی ممزوج شد ، که خود می تواند مانعی برای  
درک مناسب پیام عاشورا باشد.

بنابراین خدمت بزرگ در مقطع کنونی به عزاداری سالار شهیدان  
شناسایی آسیب ها و تلاش در جهت آسیب زدایی است

آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی<sup>۱</sup>: اگر این آسیب‌هایی که در برخی مجالس عزاداری هست ادامه یابد من بر اصل کیان تشیع احساس خطر می‌کنم. شبیه این اظهار نظر را آیت‌الله العظمی مکارم داشتند و فرمودند: اگر این روند ادامه یابد بیم آن می‌رود که روند مجالس عزاداری بدست کسانی بیفتد که اصلاً اهلیت ندارند.<sup>۱</sup>

### تبارشناسی عزاداری

نخست باید دانست که عزاداری اختصاص به کربلا و شهیدان آن ندارد، بلکه در همه جا، در موارد بسیار بوده و هست، مهم آن است که از آن استفاده بهینه کرد، بنابراین باید آن را از هرگونه انحراف، تصحیح کرد. به عنوان نمونه:

۱. قابیل و هابیل دو برادر از فرزندان حضرت آدم<sup>۷</sup> بودند، هابیل جوانی خداشناس و باتقوا و درست کار بود، ولی قابیل در گمراهی و مطابق بعضی از روایات، هابیل در خواب بود، قابیل با کمال ناجوانمردی به او حمله کرد و او را کشت.<sup>۲</sup> آدم<sup>۷</sup> از این فاجعه آگاه شد، بسیار گریه کرد و همواره در یاد او بود، و به یاد او اشک می‌ریخت، وقتی که هابیل کشته شد

---

۱ - به نقل از سخنرانی سید احمد خاتمی از کتاب قیام عاشورا در کلام و بیان

امام خمینی<sup>۱</sup> در تاریخ ۸۴/۶/۹

۲ - ماجرای کشته شدن هابیل به دست قابیل، در قرآن در سوره مائده آیه ۲۷ تا ۳۱ آمده است.

همسرش حامله بود، پس از مدتی وضع حمل کرد، نوزاد پسر بود، آدم<sup>۷</sup> نام او را هابیل گذاشت.<sup>۱</sup>

۲. نمونه دیگر، در طول تاریخ عزاداری یعقوب برای یوسف<sup>۷</sup> و گریه یوسف<sup>۷</sup> است، کوتاه سخن این که چنان که در قرآن در سوره یوسف آمده، برادران یوسف، او را از دست پدرش یعقوب گرفته و سپس او را در بیابان به چاه انداختند، و قافله ای بر سر چاه آمد و یوسف را بیرون آورد، و به مصر برده و به عنوان برده فروخت و... حضرت یعقوب چهل سال به فراق یوسف گرفتار شد. قرآن از زبان او می فرماید:

« يَا أَسْفَىٰ عَلَىٰ يُوسُفَ ۖ وَأَبْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ »<sup>۲</sup>

وا اسفا بر یوسف! و چشمان او از اندوه سفید شد.

امام سجاد<sup>۷</sup> فرمود: «یعقوب از اندوه فراق یوسف<sup>۷</sup> آنقدر گریست که موی سرش سفید شد، و کمرش خم گردید، و دیده اش نابینا گشت.»<sup>۳</sup> این مطلب از امام صادق<sup>۷</sup> نیز نقل شده است.<sup>۴</sup> یوسف<sup>۷</sup> نیز وقتی که با دسیسه همسر عزیز مصر، به زندان افتاد، در زندان از اندوه فراق پدرش یعقوب به قدری گریه کرد که به فرموده امام صادق<sup>۷</sup> زندانیان به ستوه آمدند و به او پیشنهاد

---

۱ - تفسیر قرطبی، ج ۳، ص ۲۱۳۳

۲ - یوسف : ۸۴

۳ - اللهوف، ص ۲۱۰.

۴ - تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۴۵۲.

کردند یا روز گریه کند یا شب، تا در یکی از این دو وقت در آسایش باشند. یوسف این پیشنهاد را پذیرفت.<sup>۱</sup>

۳. عزاداری پیامبر<sup>۶</sup> برای حمزه و جعفر و ابراهیم

مسأله عزاداری در میان پیامبران و اولیاء دیگر نیز به طور فراوان بوده است، تا آن هنگام که عصر پیامبر اسلام فرا رسید، آن حضرت نیز در سوگ عزیزان، عزاداری می کرد، و به آن دستور می داد و به عنوان نمونه: وقتی که حضرت حمزه<sup>۷</sup> عمومی پیامبر<sup>۶</sup> در جنگ احد به شهادت رسید، پیامبر<sup>۶</sup> در کنار جنازه به خون تپیده اش بسیار گریست و وقتی که با همراهان به مدینه آمد، از بسیاری از خانه های مدینه که شهید داده بودند صدای گریه شنیده شد، پیامبر<sup>۶</sup> به یاد<sup>۷</sup> اشک می ریخت، و مردم را به عزاداری برای حمزه<sup>۷</sup> تحریک کرده و فرمودند:

« لَكِنَّ حَمَزَةَ لَا بَوَّأَكِي لَهُ الْيَوْمَ! »

ولی امروز حمزه<sup>۷</sup> گریه کننده ندارد.

سعد بن معاذ و اسید بن حضیر وقتی که این سخن را شنیدند به زن های انصار گفتند: « نخست بروید حضرت فاطمه<sup>۳</sup> را در گریه کردن برای حمزه همراهی کنید، سپس برای شهدای خود گریه نمایید. بانوان صدا و گریه بلند کردند، پیامبر<sup>۶</sup> و فاطمه<sup>۳</sup> که در مسجد در عزای حمزه<sup>۷</sup> مجلس داشتند، بیرون آمد و پیامبر<sup>۶</sup> خطاب به آنها فرمودند:

جستاری در تحریفات آیین عزاداری ..... ۲۳

« إِرْجِعْنَ رَحِمَكُنَّ اللَّهُ فَقَدْ آسَيْتُنَّ بِأَنْفُسِكُنَّ »<sup>۱</sup>

رحمت خدا بر شما باد، به راستی مواسات و ایثار کردید.  
از آن پس، حتی تا به امروز رسم شده که زن‌های مدینه وقتی می  
خواهند برای گذشتگان خود گریه کنند، نخست به یاد حضرت  
حمزه<sup>۷</sup> گریه می‌کنند.<sup>۲</sup>

و در مورد شهادت جعفر طیار<sup>۷</sup> که در جنگ موته در سال هفتم  
هجرت رخ داد، پیامبر<sup>۶</sup> در مدینه به خانه جعفر رفت، بچه‌ها و  
همسر او را نوازش داد و بسیار گریه کرد، و در حالی که اشک از  
چشمانش سرازیر بود، از خانه بیرون آمد و با حال غمبار به  
خانه فاطمه<sup>۳</sup> وارد شد، شنید گریه و نوحه فاطمه<sup>۳</sup> برای جعفر<sup>۷</sup>  
بلند است، پیامبر<sup>۶</sup> فرمودند:

« عَلِيٌّ مِثْلِي جَعْفَرٌ فَلْتَبِكِ الْبَاكِیَّةُ »<sup>۳</sup>

باید بر شخصیتی همانند جعفر هر بانوی گریه‌کننده بگرید.  
سپس فرمودند: « برای خانواده و فرزندان جعفر، غذا درست کنید  
و ببرید، زیرا آنها امروز به عزاداری مشغول هستند. »<sup>۴</sup>  
پیامبر<sup>۶</sup> پسری به نام ابراهیم<sup>۷</sup> داشت، که در سال هشتم هجرت  
چشم به جهان گشود و در سال دهم در حالی که کمتر از دو سال

۱ - اعلام الوری، ص ۹۴، ۹۵ - بحار الأنوار ج : ۲۰ ص : ۹۸

۲ - اسدالغابه، ج ۲، ص ۴۸.

۳ - شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۵، ص ۷۰؛ بحار، ج ۲۱، ص ۶۳.

۴ - همان

۲۴..... جستاری در تحریفات آیین عزاداری

داشت از دنیا رفت، مادرش ماریه قبطیه بود. پیامبر<sup>۶</sup> در مرگ ابراهیم گریه می کرد، شخصی عرض کرد: « تو ما را از گریه نهی می کنی، ولی خودت گریه می کنی؟» در پاسخ فرمودند: «این گریه نیست، بلکه علامت رحم و مهربانی است، کسی که رحم نداشته باشد مشمول رحمت الهی نمی شود.»

پیامبر<sup>۶</sup> پیکر ابراهیم<sup>۷</sup> را به خاک سپرد، چشمانش پر از اشک شد، گریه سختی کرد، ولی فرمودند:

« تَدْمَعُ الْعَيْنُ وَ يَخْزَنُ الْقَلْبُ وَ لَا نَقُولُ مَا يُسْخِطُ الرَّبَّ »<sup>۱</sup>

چشم می گرید و قلب پر از اندوه می شود، ولی چیزی که موجب خشم خدا شود نمی گوییم.

۴. گریه و مرثیه علی<sup>۷</sup> و فاطمه<sup>۳</sup>

وقتی که پیامبر<sup>۶</sup> رحلت کرد، فاطمه زهرا<sup>۳</sup> از اندوه فراق او، و ظلم هایی که بر خاندانش شده بود، شب و روز گریه می کرد و عزاداری می نمود و با اشعار جان سوزش دیگران را نیز به گریه و عزاداری فرا می خواند، از گفتار و اشعار او در فراق پیامبر<sup>۶</sup> این بود:

«... پدر و مادرم به فدایت! با مرگ تو چیزی قطع شد که با مرگ دیگران قطع نشد... اگر نه این بود که تو مرا امر به صبر فرموده- ای، و از بی تابی نهی کرده ای، آنقدر گریه می کردم که اشک های مخزن چشمم تمام شود، و این درد جانکاه همیشه برایم باقی، و



جستاری در تحریفات آیین عزاداری ..... ۲۵

حزن و اندوهم همیشگی و دائمی می‌شد، تازه این‌ها در برابر  
مصیبت فراق تو کم بود...»<sup>۱</sup>



## عزاداری در سنجه عقل و نقل<sup>۱</sup>

عزاداری امام حسین<sup>۷</sup> مقوله ای الهی - انسانی است و سرشتی دوگانه دارد که آمیخته از سنت الهی و سنت بشری است؛ از این رو، باید مبانی آن را در این دو امر یافت، پس ناگزیر از عرضه عزاداری به منابع استنباط اسلامی هستیم که در این مقال بدان دست می یازیم.

### ۱. عزاداری از نگاه عقل

هر مقوله‌ای و پدیده‌ای در کهبکشان دانش بشری، برای ماندگاری، به سنجش در ترازوی عقل، تحکیم مبانی عقلانی و به دیگر سخن، توسعه و تقویت ظرفیت برهان پذیری آن نیاز دارد. حال آیا عزاداری امام حسین<sup>۷</sup> و ائمه اطهار: این استحکام عقلانی را دارد

---

۱. برگرفته از مقاله علی آقاجانی قناد

یا نه؟ آیا می‌توان با برهان‌های عقلی، به تبیین آن پرداخت یا آن که تنها با مقولاتی فراعقلانی چون عشق، قابل شرح است؟  
اساس عزاداری حسینی و هسته مرکزی آن، کاملاً قابلیت برهان‌پذیری و تبیین عقلانی را دارد. البته ذکر این نکته لازم است که منظور، عقلانیتی چند بُعدی و ناظر به تمامی جنبه‌های حیات انسانی است و نه فقط عقلانیت ابزاری غرب. بر این پایه، جنبه‌های توجیه عقلانی عزاداری بر شمرده می‌شود:

#### الف - اصالة الاباحة (اصالة البرائة عقلی)

این اصل که خاستگاهی اصولی دارد، به بیان این نکته می‌پردازد که اساس قضاوت در خصوص اشیاء جایز بودن و مباح بودن آن است، مگر آن که دلیلی بر جایز نبودن آن یافت شود؛ بنابراین، چون دلیلی بر حرام بودن عزاداری نداریم، تا هنگامی که به عمل ناشایست خارج از اصل عزاداری آلوده نشود، امری جایز است. این اصل، اگر چه دلیل تبیینی به شمار نمی‌آید، ولی توجیهی عقلانی است. مرحوم سید محسن امین، از مطرح‌کنندگان و مدافعان این اصل است.<sup>۱</sup>

#### ب - عقلائی بودن

از اعمال بدیهی عقلاء آن است که انسان در سوگ عزیزانش، به حزن و اندوه می‌نشیند و در فراق آنان، گریان و نالان می‌شود.

---

۱ . سید محسن امین عاملی، اقناع اللائم علی اقامه الماتم، تحقیق، محمد

البدری، قم، مؤسسه معارف اسلامی، ج ۱، ۱۴۱۸هـ.ق.م، ص. ۵۳.

رفتار هر انسان آراسته به اخلاق انسانی، هنگام از دست دادن یار، عزیز و بزرگی چنین است. درست به همان شکل که آدم بر هابیل، یعقوب بر یوسف، پیامبر<sup>۶</sup> بر حمزه و ... گریستند و نالیدند که ما شرح گزارش این گریه‌ها و عزاداری‌ها را در قسمت عزاداری از دیدگاه قرآن و روایات خواهیم آورد. حال هر چه مقام و عظمت شخصیت از دست رفته والاتر باشد، شیوه‌های بیان این سوگ‌مندی بیشتر و پررنگ‌تر می‌شود و صورتی عقلانی پیدا میکند.

ممکن است این پرسش پیش آید که در سوگ بزرگان و نزدیکان تازه از دست رفته نیکوست، ولی آیا این که پس از هزار و چهارصد سال، هنوز بر کسی چون حسین بن علی<sup>۷</sup> بگرییم نیز زیبنده و رواست؟!

پاسخ این پرسش آن است که تشیع، مکتب امامت است و امامت، بر پایه ارتباط قلبی و عاطفی امت و امام استوار شده است. حال اگر این ارتباط قلبی و عاطفی، آن گونه عمیق است که پس از هزار و چهارصد سال نیز با ذکر و یادآوری مظلومیت امامی چون حسین بن علی<sup>۷</sup> اشک در چشمان شیعه پیرو او حلقه می‌زند، می‌توان آن را غیر عقلانی خواند و به ملامتش پرداخت!!

### ج - وجوب شکر منعم

این استدلال، استدلالی کلامی است که عزاداری را به دلیل سپاسگذاری از حسین بن علی<sup>۷</sup> لازم می‌داند. از منظر عقلی،

۳۰..... جستاری در تحریفات آیین عزاداری

قدردانی و سپاسگذاری از خدمات دیگران و کارهای نیک آنها نیکو و لازم است و چنانچه این خدمت فداکارانه و ایثارگرانه هم باشد، شکر و سپاس، لزوم بیشتری پیدا می‌یابد؛ از این رو، امام حسین<sup>۷</sup> که در راه عظمت اسلام، زنده نگه داشتن قرآن و حمایت از مسلمانان به قیام پرداخته و همه چیز را در این راه تقدیم کرده، شایسته سپاس است؛ بنابراین، گرامی داشت یاد و راه او و ابراز احساسات به ساختش، کم‌ترین و کوچک‌ترین کاری است که می‌توان انجام داد.

حاج مهدی سراج انصاری، از روشنفکران مذهبی و روحانیون فرهیخته دهه‌های ۲۰ تا ۳۰ که نقشی مهم در تکوین مطبوعات دینی داشته، از مطرح‌کنندگان این استدلال است. وی می‌نویسد:

«... حسین بزرگ با قیام خود با مبارزه اساسی و خونین خود، بار دیگر اسلام را زنده نمود و بدین وسیله، حقی بر گردن مسلمانان جهان گذاشت که تا انقراض عالم، وظیفه هر فرد مسلمان است که در هر دوره از ادوار زندگی خود، از آن سالار شهیدان قدردانی نماید. قدردانی از آن رادمرد بزرگ آن است که با عزاداری، با تشکیل مجالس عزاء، با روانه ساختن دسته‌های ماتم، همه ساله، فاجعه خونین زنده نگه داشته شود. این عملی که عقلا و فطرتاً

یک عمل بسیار نیک است. نه تنها نباید نکوهش شود، بلکه باید

هر فرد متفکری، به ترویج آن اهتمام نماید.<sup>۱</sup>

#### د - استفاده عقلا از احساسات

یکی دیگر از دلایلی که می‌توان برای بعد عقلانی عزاداری برشمرد و به رویکرد روان‌شناسانه عزاداری نظر دارد، جنبه تبلیغاتی و برانگیزاننده آن است. حال چگونه این موضوع با عقلانی بودن عزاداری پیوند می‌خورد؟ واقعیت آن است که منشا تحرک و تکاپوی آدمی، بیش و پیش از عقل، احساسات اوست، به طوری که بسیاری از دین‌شناسان و روان‌شناسان برآنند که انسان ابتدا ایمان می‌آورد و سپس به دنبال برهانی کردن آن می‌رود. از این رو، حتی عالمان و دانشمندان، از احساسات خود بی‌نیاز نیستند. به طور معمول این تبلیغات و تحریک احساسات است که انسان را به نفع یا ضرر کسی یا چیزی بر می‌انگیزد و به او شور و حال دفاع و مبارزه می‌بخشد، بنابراین از آنجا که شهادت امام حسین<sup>۷</sup> زنده کردن دوباره اسلام بود، برای این که همواره این روند و مشعل فروزان اسلام ناب جاوید و پایدار باقی بماند، به عامل برانگیزاننده نیاز دارد. در دل سنت دیرپای انسانها،

---

۱ . مجله آیین اسلام، شماره‌های ۳۳۶ - ۳۶۰ (۳۴-۱۳۳۳ ش) به نقل از برگه‌هایی از تاریخ، حوزه علمیه قم، رسول جعفریان، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۱۳۸۱، ص ۶۱-۶۲.

این عامل، عزاداری است و به همین دلیل در سنت اسلامی و شیعی، مفهومی ویژه می‌یابد و نقشی بنیادین پیدا می‌کند.

## ۲. عزاداری از دیدگاه قرآن و سنت

### الف) قرآن

این بحث از آن جهت اهمیت دارد که دریافته شود که آیا در قرآن و سنت، نشانه‌ای بر تأیید عزاداری و صورت‌های آن یافت می‌شود یا خیر؟ تنها نشانه‌ای که می‌توان در قرآن کریم بر تأیید این مطلب یافت، موضوع گریه طولانی حضرت یعقوب در فراق یوسف و نابینایی او به جهت بسیاری گریه است؛ چنان که در آیات ۸۴ سوره یوسف آمده است: و یعقوب از فرزندانش روی برگرداند و گفت:

« يَا أَسْفَىٰ عَلَىٰ يُوسُفَ ۖ وَأَبْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ »

وا اسفا بر یوسف! و چشمان او از اندوه سفید شد، اما خشم خود را فرو می‌برد (و هرگز کفران نمی‌کرد)!

### ب) سنت

اما در سنت، مجموعه روایات، رفتارها و تقریرهای پیامبر<sup>ص</sup> و امامان: بیش از آن است که بتوانیم همه‌شان را در اینجا گرد آوریم؛ بنابراین تنها به گزیده‌ای از آنها بسنده می‌کنیم.

### ❖ روایات اهل سنت

۱. احمد بن حنبل در مسند خود، روایتی از ابن عباس نقل

میکند که هنگام وفات رقیه، دختر رسول خدا<sup>ص</sup> زنان بر



او می‌گریستند. در همان حال، خلیفه دوم، عمر بن خطاب، با تازیانه آنها را از این کار نهی می‌کرد، ولی پیامبر<sup>۶</sup> مانع او شد و فرمودند: بگذار تا بگریند.<sup>۱</sup>

۲. هم چنین در چند جای دیگر، نهی عمر از گریستن بر شهیدان و مردگان و منع پیامبر از نهی او جایز کردن آن ذکر شده است.<sup>۲</sup>

۳. همچنین نسایی از جابر بن عبدالله انصاری نقل می‌کند که هنگام شهادت پدرم در جنگ احد، من بر پدرم می‌گریستم و مردم مرا از گریستن نهی می‌کردند، ولی از پیامبر<sup>۶</sup> منعی ندیدم.<sup>۳</sup> سنن نسائی نیز روایتی را آورده که در آن، بر منع نکردن پیامبر اکرم<sup>۶</sup> از صیحه و گریه زنان، تصریح شده است.<sup>۴</sup>

#### ❖ عزاداری امام حسین<sup>۷</sup> در روایات شیعی

در روایات شیعی و از زنان اهل بیت: سخنان فراوانی نقل شده که بر توصیه ایشان بر گریستن و عزاداری بر امام حسین<sup>۷</sup> دلالت دارد و همچنین روایات بی‌شماری، با مضمون گریستن چهارده

---

۱. مسند احمد بن حنبل، بیروت - لبنان، دارالفکر، بی تا، ج ۱، ص ۳۳۵.

۲. همان، ص ۳۳۳.

۳. سنن نسائی، شرح جلال الدین سیوطی، بیروت - لبنان، دارالمعرفه، ج ۳،

۱۴۱۴ ق، ج ۳، ص ۳۱۸.

۴. همان.

۳۴..... جستاری در تحریفات آیین عزاداری

معصوم: بر آن حضرت، حتی پیش از شهادت ایشان وارد شده که در اینجا، به برخی از آنها اشاره می شود:

۱. حضرت رسول<sup>۶</sup> در مکان های متعددی بر فرزندش حسین<sup>۷</sup> گریسته است. در روز ولادت حسین<sup>۷</sup> آن حضرت در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه خواند و سپس فرزندش را در دامنش نهاد و گریست.<sup>۱</sup>

۲. در روایت دیگری است که امام حسین<sup>۷</sup> در هنگامی که رسول خدا<sup>۶</sup> در حالت وحی بود، بر ایشان وارد و بر پشت پیامبر اکرم<sup>۶</sup> سوار شد و مشغول بازی گردید. در این حال جبرئیل عرضه داشت: امت پس از تو دچار فتنه می شوند و این فرزندت کشته می شود. پس دست برد و مقداری خاک برگرفت و گفت در این زمین که نام آن «طف» است. پس از رفتن جبرئیل، پیامبر<sup>۶</sup> در حالی که آن خاک را در دست داشت، گریه می کرد به سوی اصحابش رفت. آنان پرسیدند: ای رسول خدا برای چه گریانی؟ فرمود: جبرئیل خیر داد که

---

۱. علامه مجلسی، بحار الانوار، بیروت - لبنان، دار احیاء التراث العربی، ج ۳،

پس از من فرزندم حسین، در زمینی به نام «طف» کشته می شود.<sup>۱</sup>

از این دست روایات در خصوص پیامبر اکرم<sup>۶</sup> در مورد گریستن بر امام حسین<sup>۷</sup> فراوان یافت می شود.<sup>۲</sup>

۳. گریستن امام علی<sup>۷</sup> هنگام عبور از کربلا در جریان جنگ صفین نیز به صورت متواتر نقل شده است.<sup>۳</sup>

۴. از امام صادق<sup>۷</sup> روایت شده است که حضرت زهرا<sup>۳</sup> بر مصیبت فرزندش حسین<sup>۷</sup> گریست.<sup>۴</sup>

۵. درباره گریستن، عزاداری و مجلس به پا داشتن امام صادق<sup>۷</sup> و امام کاظم<sup>۶</sup> نیز اخبار و گزارش در دست است.

این همه روایات، بیانگر حزن و اندوه امامان در مصیبت حسین<sup>۷</sup> است.

---

۱. محمد بن حسن طوسی، امالی طوسی، قم، مکتبه الداوری، ج ۱، ص ۳۲۱، ۳۲۴.

۲. امالی صدوق، شیخ صدوق، بیروت- لبنان، اعلمی، ص ۱۱۶.

۳. وقعه الصفین، نصر بن مزاحم منقری، تحقیق عبد السلام هارون، بیروت، مؤسسه العربیه الحدیثه، ج ۲، بی تا، ص ۱۴۰.

۴. . . کامل الزیارات، ابن قولویه، نجف، مطبعه الحیدریه، ص ۸۲.

۵. امالی صدوق، ص ۱۱۸.

۶. همان، ص ۱۱۱.

پس از آنجا که گفتار، کردار و تأیید عمل دیگران از سوی آن بزرگواران حجت است، تمسک به شیوه رفتار آنها لازم خواهد بود. البته به جز این روایات، در روایات بسیار دیگری، به گریستن و برپایی مجلس عزاداری امام حسین<sup>۷</sup> امر شده و ثواب آن بیان گردیده است.

۶. کلام امام رضا<sup>۷</sup> هم که فرمودند: «پس به مثل حسین باید بگریند گریه‌کنندگان، همانا گریه بر آن حضرت، گناهان بزرگ را فرو ریزد»<sup>۱</sup>.

و نیز سخن ایشان است که می‌فرمایند: «هر که مصیبت ما را به یاد آورد و پس از ما بگرید یا بگریاند، هنگامی که همه چشم‌ها گریان می‌شوند، او نخواهد گریست و هر که بنشیند در مجلسی که در آن امر ما احیا می‌شود، قلب و دل او هنگامی که همه دلها می‌میرند، نخواهد مرد»<sup>۲</sup>.

به هر حال، روایات بر پاداشتن مجالس و گریه و نوحه بر حسین<sup>۷</sup> بسیار است که در این مجال، فرصت ذکر همه آنها نیست.<sup>۳</sup>

---

۱. امالی صدوق، مجلس ۲۷، ص ۱۲۸.

۲. همان، ص ۲۶۹ - ۲۶۸.

۳. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به افناع اللاتم علی اقامه الماتم، سید محسن

امین، ص ۱۸۳، ۱۹۹.

## عزاداری امام حسین ۷ در کلام امام خمینی ۱

انقلاب اسلامی ایران الهام یافته از مکتب عاشورا و با گفتمانی کاملاً مشابه در دورانی پا به عرصه حیات گذاشت که مصلحان و جامعه شناسان براین باور بودند که دوران دین و جنبشهای دینی به سر آمده است. اما حضرت امام خمینی ۱ با ارتزاق از مکتب و معرفت عاشورا و احیاء مفاهیم معنا گرایانه و ناب این نهضت به تجدید حیات دین و جنبش دینی همت گمارد.

حضرت امام ۱ بارها صراحتاً این نکته را متذکر شدند که انقلاب اسلامی ایران برگرفته و تداوم نهضت حسینی است؛ لذا تبار شناسی و پیشینه شناسی انقلاب اسلامی ایران ممکن نیست مگر با تحلیل دقیق عاشورا و نیز شناخت رهبر انقلاب مسور نمی شود مگر با بررسی آن بعد از شخصیت ایشان که کاملاً ملهم از واقعه عاشورا و حضرت امام حسین

است. در این جستار به بررسی عاشورا در کلام خمینی<sup>۱</sup> پرداخته می شود:

### ● درس عاشورا

امام حسین<sup>۷</sup> با عده کم همه چیزش را فدای اسلام کرد، مقابل یک امپراتوری بزرگ ایستاد و «نه» گفت؛ هر روز باید در هر جا این «نه» محفوظ بماند و این مجالسی که هست مجالسی است که دنبال همین است که این «نه» را محفوظ بدارد. بچه‌ها و جوانهای ما خیال نکنند که مسأله، مسأله «ملت‌گریه» است؛ این را دیگران القا کردند به شماها که بگویید «ملت‌گریه»! آنها از همین گریه‌ها می‌ترسند، برای اینکه گریه‌ای است که گریه بر مظلوم است؛ فریاد مقابل ظالم است. دسته‌هایی که بیرون می‌آیند، مقابل ظالم هستند<sup>۱</sup>.

چیزی که برای خداست آسان می‌شود. همان طوری که در این چیزی که خواندید، از کربلا شروع کردید. خوب، کربلا هم همین مسائل بود اما برای خدا بود. چون برای خدا بود آسان بود. شما هم ان شاء الله برای خداست. و همان طوری که یک چیز خواندید که «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورًا وَكُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَا» این یک عبارت آموزنده است. نه معنایش این است که هر روز کربلاست، هر روز بنشینید گریه بکنید. ببینید چه کرده، کربلا چه صحنه‌ای بوده، هر روز این صحنه باید باشد: مقابله اسلام با کفر؛ مقابله عدل با ظلم؛ مقابله عدد کم با ایمان زیاد، در مقابل عدد زیاد با بی‌ایمانی. نه از جمعیت کم بترسید؛ و نه از شکست بترسید، شکستی در کار نیست.

جستاری در تحریفات آیین عزاداری ..... ۳۹

وقتی کار برای خدا باشد، شکست تویش نیست. کشته بشوید بهشتی هستید؛ بکشید هم بهشتی هستید.<sup>۱</sup>

### ● فلسفه قیام عاشورا

سید الشهداء - سلام الله علیه - با چند نفر از اصحاب، چند نفر از ارحامشان، از مخدراتشان قیام کردند. چون قیام لله بود، اساس سلطنت آن خبیث را به هم شکستند. در صورت ایشان کشته شدند لکن اساس سلطنت را، اساس سلطنتی که میخواست اسلام را به صورت سلطنت طاغوتی درآورد ...

خطری که معاویه و یزید برای اسلام داشتند این نبود که غضب خلافت کردند؛ این یک خطر، کمتر از آن بود؛ خطری که اینها داشتند این بود که اسلام را به صورت سلطنت در میخواستند بیاورند، میخواستند معنویت را به صورت طاغوت درآورند، به اسم اینکه «ما خلیفه رسول الله هستیم» اسلام را منقلب کنند به یک رژیم طاغوتی. این مهم بود. آن قدری که این دو نفر ضرر به اسلام میخواستند بزنند یا زدند جلوتریها آن طور نزدند. اینها اصل اساس اسلام را وارونه میخواستند بکنند.....

آن سلطنت طاغوتی که اسلام را میخواست به آن رنگ درآورد که اگر توفیق پیدا میکردند، اسلام یک چیز دیگری می شد.<sup>۲</sup>

### ○ عاشورا عینیت سیاست و دیانت

---

۱ - صحیفه امام، ج ۱۰، ص: ۸

۲ . صحیفه امام، ج ۸، ص: ۱۰

اینکه برای عزاداری، برای مجالس عزا، برای نوحه‌خوانی، برای اینها، این همه ثواب داده شده است، علاوه بر آن امور عبادی و روحانی، یک مسأله مهم سیاسی در کار بوده است. آن روزی که این روایات صادر شده است، روزی بوده است که این فرقه ناجیه مبتلا بودند به حکومت اموی و بیشتر عباسی و یک جمعیت بسیار کمی، یک اقلیت کمی در مقابل قدرتهای بزرگ در آن وقت، برای سازمان دادن به فعالیت سیاسی این اقلیت، یک راهی درست کردند که این راه، خودش سازمانده است و آن، نقل از منابع وحی [است] به اینکه برای این مجالس این قدر عظمت است و برای این اشکها آن قدر در دور و بر این اشکها و عزاداریها، شیعیان با اقلیت آن وقت اجتماع می‌کردند و شاید بسیاری از آنها هم نمی‌دانستند مطلب چه هست، ولی مطلب، سازماندهی به یک گروه اقلیت در مقابل آن اکثریتها [بود]. و در طول تاریخ، این مجالس عزا که یک سازماندهی سرتاسری [در] کشورها است، کشورهای اسلامی است و در ایران که مهد تشیع و اسلام و شیعه است، در مقابل حکومتهایی که پیش می‌آمدند و بنای بر این داشتند که اساس اسلام را از بین ببرند، اساس روحانیت را از بین ببرند، آن چیزی که در مقابل آنها، آنها را می‌ترساند، این مجالس عزا و این دستجات بود.<sup>۱</sup>

● نقش روضه در احیای مکتب عاشورا



اگر یک آقای بخواند مثلاً روضه بخواند می‌گویند که نه، دیگر روضه لازم نیست، اینها ملتفت نیستند همین مساجد و همین روضه‌ها و همین روضه‌های هفتگی، همینها توجه مردم را و همان هماهنگی را ایجاد می‌کند. اگر دولتهای دیگر بخوانند هماهنگی بین تمام قشرها پیدا کنند میسور نیست برایشان. با صدها میلیارد تومان هم برایشان میسور نیست.<sup>۱</sup>

#### • تأثیر روضه‌خوانی‌ها

نمی‌دانند این قشرهای سیاسی که چه خدمتی این منبر، این محراب، به این کشور کرده این روضه‌خوانیها این ملت شما را حفظ کرده، این روضه‌خوانیها و مصیبت و گریه است که کشور شما را حفظ کرده. ما باید به شهیدمان گریه کنیم؛ فریاد کنیم؛ مردم را بیدار کنیم.<sup>۲</sup>

#### • لزوم برپایی مراسم روضه‌خوانی و سینه‌زنی

تکلیف آقایان است روضه بخوانند. تکلیف مردم است دسته‌های شکوهمند بیرون بیاورند. دسته‌های سینه زن شکوهمند.<sup>۳</sup>

#### • نقش عظیم مجالس عزا و سوگواری در ایجاد

وحدت کلمه

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۱، ص: ۱۰۰

۲. صحیفه امام، ج ۸، ص: ۵۲۹

۳. صحیفه امام، ج ۱۵، ص: ۴۸۲

تمام این وحدت کلمه‌ای که مبدأ پیروزی ما شد، برای خاطر این مجالس عزا و این مجالس سوگواری و این مجالس تبلیغ و ترویج اسلام شد. سید مظلومان یک وسیله‌ای فراهم کرد برای ملت که بدون اینکه زحمت باشد برای ملت، مردم مجتمعند. اسلام مساجد را سنگر قرار داد و وسیله شد از باب اینکه از همین مساجد، از همین جمعیتها، از همین جماعات، از همین جمعه‌ها و جماعات، همه اموری که اسلام را به پیش می‌برد<sup>۱</sup>

#### ● افشاگری ظالم در مجالس سید الشهداء

دشمنهای ما، که مطالعه کرده بودند در حال ملتها و مطالعه کرده بودند در حال ملت شیعه، می‌دیدند آنها که تا این مجالس هست و تا این نوحه‌سراییهایی بر مظلوم هست و تا آن افشاگری ظالم هست، نمی‌توانند برسند به مقاصد خودشان حالا یک دسته‌ای آمده‌اند می‌گویند که نه، دیگر روضه نخوانید! نمی‌فهمند اینها که روضه یعنی چه. اینها ماهیت این عزاداری را نمی‌دانند چیست. نمی‌دانند که این نهضت امام حسین آمده تا اینجا، تا این نهضت را درست کرده.<sup>۲</sup>

---

۱ . صحیفه امام، ج ۱۷، ص: ۵۵

۲ . صحیفه امام، ج ۱۰، ص: ۳۱۴

## آسیب شناسی مجالس عزاداری از منظر مقام

### معظم رهبری

فرهنگ عاشورا از دیرباز به دلیل ارزش و اهمیت آن همیشه مورد توجه دوست و دشمن بوده است. در طول تاریخ ظالمان و مستکبران همیشه به دلیل ماهیت ظلم‌ستیزی عاشورا با آن مخالف بوده‌اند. ارزش معنوی و انسان‌ساز و اصلاح‌گر عاشورا موجب گردیده است که آسیب‌های زیادی از دوست و دشمن به آن وارد شود.

این آسیب‌ها هم جنبه ماهیتی و محتوایی حادثه عاشورا را و هم جنبه شکلی آن را مورد هجوم قرار داده است. جنبه عاطفی و تراژدیک حادثه عاشورا به بعد ملکوتی، عاشقانه و عقلانی آن غلبه پیدا کرده است. در شرایط امروز دسیسه دشمنان هم برای

تغییر مفاهیم و ماهیت ارزش‌های متعالی مثل عاشورا بیشتر شده است.

علمای دین به تناسب توان خود و زمینه‌های پذیرش با این عوامل خرافات مبارزات مستمری داشته‌اند. اما بعد از انقلاب اسلامی، هم دسیسه‌ها بیشتر شده و هم مبارزات با این دسیسه‌ها و خرافات از طرف علما و مراجع معظم و بویژه مقام معظم رهبری به شکل جدی‌تری برای زدودن چهره مذهب شیعه از خرافات صورت پذیرفته است. در این قسمت با بررسی آسیب-شناسانه عزاداری از دو حیث ساختاری و محتوایی از منظر مقام معظم رهبری تلاش خواهیم کرد تا چهره روشن‌تری از تحریفات در این مناسک مذهبی ارائه نماییم.

### الف - آسیب‌های محتوایی حادثه عاشورا

#### ۱. ترسیم ناقص و یک بعدی از سیمای معصومین:

توجه بیش از حد و صرف به جنبه قداست و ملکوتی بودن معصومین: و تاکید بر این که علم غیب ولایت تکوینی دارند و درمقابل غفلت کردن از جنبه مادی و زمینی آنان و چشم پوشی از الگو بودن آنان در زندگی در واقع طرح یک جانبه سیمای معصومین است و برعکس همین مطلب هم وجود دارد و در هر دو صورت تصویری ناقص و یک بعدی از شخصیت معصومین: است.

مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرمایند: «چیز دیگری که بنده در بعضی از خوانندگان جلسات مداحی اطلاع پیدا کردم استفاده از مدح‌ها و تمجیدهای بی‌معناست که گاهی هم مضر است. فرض کنید راجع به حضرت ابوالفضل<sup>۷</sup> صحبت می‌شود. بنا کنند از چشم و ابروی آن بزرگوار تعریف کردن مثلاً قربون چشمت بشم. مگر چشم قشنگ در دنیا کم است؟ مگر ارزش ابوالفضل<sup>۷</sup> به چشمهایش بوده! اصلاً شما مگر ابوالفضل را دیده‌اید و می‌دانید چشمش چگونه بوده؟ اینها سطح معارف دینی ما را پایین می‌آورد. معارف شیعه در اوج اعتلاست. معارف شیعی، معارفی است که یک فیلسوف در غرب پرورش یافته با مفاهیم غربی و بزرگ شده آشنا با معارف فلسفی غرب مثل هائری کرین را می‌آورد دو زانو جلو علامه طباطبایی می‌نشانند او را خاضع می‌کند و می‌شود مروج شیعه و معارف آن در اروپا. معارف شیعه را باید در همه سطوح عرضه کرد. از سطوح ذهن متوسط و عامی بگیرید تا سطوح بالاترین فیلسوف‌ها، با این معارف نباید شوخی کنیم»<sup>۱</sup>

## ۲. خرافه‌گرایی و غلو اندیشی

خرافات بر سه اصل بی‌بنیادی، باطل بودن و خوشایندی مخاطب استوار است. خرافات در ذات خود غلو آمیز می‌باشد. قرآن کریم

---

۱ - بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مداحان و ذاکرین اهل بیت (ع)

از غلو نهی می‌کند و امامان نیز شدیدترین برخورد را با غلات داشته و از آنان بیزاری جسته‌اند. خرافه و غلو در عزاداری‌ها باعث خدشه به تصویر حقیقی امام معصوم و معرفی نادرست و تحریف شده شیعه که پیوسته دین‌مدار و منطقی بوده است، نزد افکار عمومی جهانیان در بعد رسانه‌ای می‌شود. علما و مراجع معظم با این شکل عزاداری‌ها مخالفت کرده و در فتواها و استفتائات این تغییر غلو آمیز و شرکت آلود را نهی فرموده‌اند. مقام معظم رهبری در جواب استفتائی در این زمینه می‌فرمایند: «از این گونه حرکات و ترویج این افراد و این‌گونه جلسات اجتناب شود»<sup>۱</sup>

### ۳. بیان مطالب ذلت بار و خارج از شأن معصومین

در بعضی از مداحی‌ها و جلسات عزاداری مطالبی دون شأن و مرتبه معصومین: بیان می‌شود که شأن ائمه: را پایین می‌آورد. به طور مثال در هنگام مداحی حضرت زینب آن بزرگ زن تاریخ که الگوی صبر و استقامت و تحمل مصائب بودند را مضطر می‌خوانند و امام زین‌العابدین<sup>۷</sup> را بیمار معرفی می‌کنند. (زین العابدین بیمار) و یا از امام حسین<sup>۷</sup> در هنگام شهادت فرزندانش مثل علی اصغر و علی اکبر<sup>۸</sup> فردی حزن آلود و غم زده که

---

۱ - کتاب مسایل جدید از دیدگاه علماء و مراجع تقلید، جلد ۳، ص ۳۷

شکسته و خورد شده است نام می بردند این چنین مطالبی دون شأن امام حسین ۷ است.

امام حسین ۷ همه این مصائب را با نگاه ملکوتی و الهی تحمل فرمودند و هرگز خم به ابرو نیاوردند. بعضی تعابیر در حادثه عاشورا تعابیری سطحی و ذلت آمیز و از ساحت مقدس اهل بیت: دور است. مقام معظم رهبری که با تیزبینی مسایل عزاداری را بررسی می کنند در این خصوص می فرمایند:

«نکته دیگری که بعضی از آقایان بحق اشاره کردند این است که از برخی تعابیر درباره ائمه: نباید استفاده کرد، اینها سبک است. برای فاطمه الزهرا ۳ آن موجود قدسی والا آن انسان برتر و آن معلم بشر، از آن تعبیری که هر شاعری چه شاعر درست و حسابی گوی و چه شاعر هرزه گوی، برای محبوب و معشوق خودش ذکر می کند، نباید استفاده کرد باید از تعبیرات متناسبی استفاده کرد. اعتقاد من این است که اگر شعرای عزیز، همچنان که امروز خوشبختانه هم سرود دسته جمعی هم در بعضی از شعرهایی که قبلاً آقایان خواندند. همین معنا انصافاً تأمین شده لفظ و معنا را برای بیان معرفتی که امروز جامعه ما نیاز دارد تا از مکتب فاطمه زهرا ۳ تعلیم بگیرد، بکارگیرد و آن را مداح با صدای خوش و آهنگ مناسب با این کار عرضه کند. یکی از بهترین انواع تبلیغ و ترویج صورت

گرفته است؛ یعنی همان دعبل و فرزدق و کمیت تاریخ در این جا ظهور و تجلی پیدا کرده است. ارزش، همان ارزش خواهد بود و می‌تواند اجرهای بزرگ الهی را به دنبال خود داشته باشد»<sup>۱</sup>

#### ۴. گسترش ناراستی در روضه و مداحی

مطلبی که درباره حادّته عاشورا در بعضی مجالس روضه و مداحی گفته می‌شود برخی دروغ بودنش آشکار و بعضی دروغ بودنش معلوم نیست. در برابر مطالبی که دروغ بودنش آشکار است بایستی در روضه‌خوانی‌ها و مداحی‌ها نفی شود و با ارشاد و راهنمایی علما و روحانیون جلو این مطالب دروغ که آسیب‌های جدی به اعتقادات مردم وارد می‌کند، گرفته شود. اما در مقابل مطالب شیعه آلود بایستی تأمل بیشتری نمود.

برای راست و دروغ بودن مطالب باید به منابع معتبر تاریخی مراجعه صورت پذیرد. ممکن است یک مطلب در یک منبع دست دوم مورد تصدیق باشد ولی در منبع دست اول و معتبر دروغ بودن آن ثابت شود.

در منابع تاریخی، کتاب‌های لُهوفا ابن طاووس و ارشاد مفید و نَفَسُ الْمَهْمُوم کتاب‌های معتبری هستند که مقام معظم رهبری هم

---

۱ . بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مداحان و ذاکرین اهل بیت (ع)



در روضه خوانی‌های خود در نماز جمعه از همین کتب استفاده نموده‌اند و به استفاده از این منابع تأکید دارند؛

« واقعه‌خوانی، تا حد ممکن باید متقن باشد؛ مثلاً در حد

«لھوف» ابن طاووس و ارشاد مفید و امثال اینها<sup>۱</sup>»

بنابراین بازخوانی روضه‌های مداحان و انطباق آن با متون معتبر لازم و ضروری است. باید مسئولین و نهادهای اسلامی با تدوین روضه‌های معتبر از کتب و منابع معتبر آنها را در اختیار مداحان قرار دهند. ضرورت ایجاد سازماندهی، قاعده و ضابطه در ارتباط با منبر و مداحی و خطابه با توجه به سرعت تحولات در نظریات جدید علمی و استفاده از شیوه‌ها و روش‌های نوین مورد تأکید مقام معظم رهبری است و ایشان معتقدند که مداحان باید آگاه باشند باید بدانند، چه می‌گویند، برای که می‌گویند و در کجا می‌گویند و چگونه می‌گویند؛

« مداح‌ها بدانند چه می‌خوانند و چه می‌گویند. صدای

خوش، آهنگ قشنگ، موقعیت ممتاز، تریبون خوب، اقبال

فراوان امروز هم که جوان‌ها بحمدالله جامعه و کشور ما را

با صفای دل خودشان مصفا کرده‌اند. این همه جوان در

این کشور وجود دارد، همه متوجه شماست. شما چه می‌

خواهید به مردم بدهید؟ این که من همیشه روی آنچه می‌

خوانید و آنچه‌ان که می‌خوانید در جلسه مداح‌ها و با ا

---

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مداحان و ذاکرین اهل بیت (ع)

فردا گوناگون تأکید می‌کنم به خاطر این حساسیت‌ها  
است»<sup>۱</sup>

### ۵. بیان معارف تشکیکی

گاهی بعضی مداحان و خطبا برای عرصه معارف اسلامی متوسل به خواب و مکاشفه و همچنین بعضی ملاقات‌های دروغین می‌شوند. این قبیل تبلیغ مبانی اعتقادی سستی را بنا می‌نهد که به راحتی قابل زوال و نابودی است.

خواب و مکاشفه و حتی رؤیای صادقه برای بیننده و دیگران حجت شرعی نیست. تنها به خواب معصوم: که شیطان در آن راهی ندارد، حجت است که شرایط فعلی معصوم: در میان ما نیست. راهی برای اثبات و نفی خواب و مکاشفه وجود ندارد و می‌تواند به عنوان حربه-ای در دست شیادان در جا انداختن دروغ و ایجاد تحریف در عرصه معارف اسلامی بویژه فرهنگ عاشورا به کار رود.

با نقل خواب و رؤیا نمی‌توان کسی را هدایت کرد، مقام معظم رهبری بر سخن محکم و غیر مشتبه و سخن حکمت‌آمیز در مداحی‌ها تأکید دارند؛

«روش‌ها خیلی مهم است. در این آیه مبارکه «أُدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ»<sup>۲</sup> روش را بیان فرموده است. سخن

---

۱ . بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مداحان و ذاکرین اهل بیت (ع)

حکمت آمیز یعنی سخن محکم ، سخن غیر مشتبه، سخن غیر مرهون و غیر ضعیف ، حکمت همه اینها را دارد. سخن حکیم است. یعنی هم حکمت آمیز است و هم مستحکم است. هم در مقابل متشابه است»<sup>۱</sup>

مقام معظم رهبری تأکید دارند که مداحان حتماً از فرصتی که دارند برای ترویج معارف اسلامی استفاده نمایند و آن معارف الهی را به زبان زیبای شعر و با صورت زیبا بیان کنند؛

«نباید بگذارید منبر ده دقیقه‌ای یا بیست دقیقه‌ای شما از معارف خالی باشد. امسال دیدم بعضی از برادران مداح در ماه محرم و در دهه فاطمیه بحمدالله این نکته را رعایت کرده بودند. در منبر مداحی حتما در اول، فصلی اختصاص بدهید به نصیحت با بیان معارف به زبان شعر. اصلاً رسم مداحی از قدیم این طوری بوده الان یک مقدار آن رسم‌ها کم شده مداح در اول منبر یک قصیده، یک ده بیت شعر، کمتر، بیشتر، فقط در نصیحت و اخلاق با الفاظ زیبا خطاب به مردم بیان می‌کرد. مردم هم می‌فهمیدند و اثر هم می‌گذازد. من یک وقتی گفتم که گاهی شعر یک مداح از یک منبر یک ساعتی، اثرش بیشتر است. البته همیشگی نیست، گاهی است. اگر خوب انتخاب و اجرا شود اینطوری خواهد بود.»<sup>۲</sup>

---

۱ . بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مداحان و ذاکرین اهل بیت (ع)

۲ . بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مداحان و ذاکرین اهل بیت (ع)

### ۶. جدا انگاری دین از سیاست

در برخی مجالس عزاداری گفته می‌شود که ما گریه و عزاداری می‌کنیم و کاری به سیاست نداریم. اصلا اصل حادثه عاشورا به واسطه سیاست اتفاق افتاده است. حادثه عاشورا علاوه بر جنبه ملکوتی و الهی و عرفانی جنبه سیاسی هم دارد. نمی‌توان امام حسین<sup>۷</sup> را از سیاست جدا کرد. امام حسین<sup>۷</sup> برای احیاء امر به معروف و برای اصلاح امور امت جدش رسول الله قیام کرد و به شهادت رسید؛ لذا فرهنگ عاشورا با سیاست پیوندی ناگسستنی دارد.

امروز نیز عزاداری امام حسین<sup>۷</sup> باید با هدف احیاء امر به معروف و شناخت عبرت‌های عاشورا و حفظ اصل نظام اسلامی صورت پذیرد. دشمنان سعی دارند عزاداری باشد ولی محتوایی نداشته باشد.

مقام معظم رهبری تأکید دارند که در مجالس عزاداری مداحی و روضه خوانی و تبلیغ مسایل سیاسی با رعایت اعتدال مطرح شود؛ یعنی نباید چنان دیگر به مسایل سیاسی پردازیم که از رسالت دینی خود غفلت کرده و دل مخاطب را فراموش کنیم؛

« نه ما باید مسایل سیاسی را به کلی از حیطة حرف و گفت و تلاش و مجاهدت تبلیغی خودمان خارج کنیم، آن چنان که دشمنان روی آن ده‌ها سال سرمایه گذاری کردند. ولی نهضت اسلامی آمد و این سرمایه گذاری را

آتش زد و از بین برد و گفتار و اندیشه سیاسی را وارد متن فعالیت‌های دینی کرد و نه از این طرف باید بیفتیم که تصور کنیم همه منبر، همه تبلیغ، همه مخاطبه با مردم و با مؤمنین یعنی این که بنشینیم مسایل آمریکا و اسرائیل و مسایل سیاسی را تحلیل کنیم. نه خیر یک کار واجب تر اگر نباشد واجب دیگری وجود دارد و آن دل مخاطب شماست. دل و جان و فکر او را بایستی تعمیر و آباد و سیراب کنیم»<sup>۱</sup>

#### ۷. اظهار مطالب موهن

اهل بیت: بر خلاف پادشاهان ظالم، ذلت و خواری را برای پیروانشان نمی پسندند. هرچند تواضع، رابطه عاطفی و ابراز محبت به اهل بیت را شیعه افتخاری برای خود می داند و به آن مباحث می‌کند، مداحی‌ها در مجالس نباید دستاویزی برای دشمنان و وهن شیعه باشد.

چگونه می‌توان با تمسک به نام آنان انسان را تحقیر و ذلیل کرد و حال آنکه امام حسین<sup>۷</sup> شعارش « هَيْهَاتَ مَنَا الذِّلَّةُ » است. با این شیوه عزاداری همه علما و مراجع و روحانیون متعهد مخالف هستند و رهبر معظم انقلاب اسلامی در جواب سؤالی در خصوص همین موضوع می‌فرماید:

---

۱ . بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مداحان و ذاکرین اهل بیت (ع)

« از این گونه حرکات و ترویج این افراد و اینگونه  
جلسات اجتناب شود»<sup>۱</sup>

### ۱. بیان مطالب خلاف سنت های الهی

در بعضی از مداحی ها و خطابه ها چنان وانمود می شود که چون  
ما شیعه هستیم و محب اهل بیت: پس گناهانمان دیگر بخشیده  
خواهد شد. شرکت در عزاداری امام حسین <sup>۷</sup> خود موجب  
بخشیده شدن گناهان می گردد که این خود خلاف قانون الهی  
است. در قانون الهی مسؤولیت شیعه امام معصوم <sup>۷</sup> از سایر بندگان  
خیلی بیشتر است. این همه ائمه ما زحمت کشیده اند و جان داده -  
اند تا ما گناه نکنیم. تنها محبت اهل بیت: ضمانتی برای ما نیست  
که از آتش دوزخ نجات یابیم.

بر اساس قانون الهی ارتباط دوستی ما با اهل بیت: موجب  
بخشودگی ما نخواهد شد. البته شفاعت امامان معصوم: ممکن  
است شامل حال محب اهل بیت شود ولی آن هم شرایطی دارد؛  
لذاست که امام باقر <sup>۷</sup> به جابر می فرمایند:

« مَا تُنَالُ وَلَآئِنَّا إِلَّا بِالْعَمَلِ وَالْوَرَعِ »<sup>۲</sup>

فقط با عمل و دوری از گناه به ولایت ما دست یازیده می  
شود.

---

۱ . مسایل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید جلد ۳، ص ۳۷

۲ - کافی ج : ۲ : ص : ۷۴

با وجود چنین شرایطی است که باید روایاتی در خصوص تباکی و تلازم آن با بهشتی شدن<sup>۱</sup> را معنی نمود.

شیعه باید در عملکرد دنیوی مطیع اوامر الهی بوده و از گناه پرهیز کند. نمی‌توان به عنوان شرکت در عزاداری امام حسین<sup>۷</sup> از نماز اول وقت و یا حتی از نماز صرف نظر کرد؛ چون هدف امام حسین<sup>۷</sup> احیاء نماز بود. امام حسین<sup>۷</sup> خود در اوج جنگ روز عاشورا وقتی ابوثمامه صدای بانگ نماز داد و او را از وقت نماز مطلع گردانید در حق او دعا کرد<sup>۲</sup> و آماده نماز شد.

لذا مقام معظم رهبری در جواب مداحی که در حضور او همین موضوع نجات محب اهل بیت در شعری خوانده بود، فرمودند:

« شعری که الان برادرمان خواندند، مضمون درستی نیست

که ما بگوییم چون شیعه و محب هستیم؛ اگر گناه هم

کردیم، خدایا متعال ما را مجازات نمی‌کند. نه اینطور

نیست. «من اطاع الله فهو لنا ولی» ولی آنها باید خدا را

اطاعت کنند چون خود این بزرگواران با اطاعت خدا به

این مقام و رتبه رسیدند. امتحان اینها قبل از وجود و

آمدنشان به این دنیا صورت گرفته «امتحنک ا... قبل ان

یخلقک فوجدک لمن امتحنک صابره» دستگاه خدا بی

حساب و کتاب نیست. در روایتی پیامبر اکرم (ص) به

---

۱ - مَنْ تَبَاكَى فَلَهُ الْجَنَّةُ - بحار الأنوار ج : ۴۴ ص : ۲۸۸

۲ - بحار الأنوار ج : ۴۵ ص : ۲۱

فاطمه زهرا (س) با این مقام و رتبه فرمود: «یا فاطمه اننی لن اغنی عنک من ا... شیئا» یعنی پیش خدا نسبت با من و ارتباط با من به درد تو نمی خورد. مگر در میان فرزندان پیغمبر و ائمه کسانی نبودند که با خدا رابطه ای نداشتند و نتوانستند از آن گوهر نورانی و با ارزش معنوی برخوردار شوند<sup>۱</sup>

#### ۹. ایجاد تفرقه و تشدید اختلافات

در میان فرقه‌های مختلف مسلمین از دیرباز اختلافاتی وجود داشته که همیشه دوستان نادان و دشمنان زیرک بر آن دامن زده‌اند. اما این اختلافات درمقابل مشترکات اعتقادی مسلمین چیز قابل اتکایی نیست. فرقه‌های مسلمین می‌توانند با اتکاء به همین مشترکات از تفرقه پرهیز کنند. دشمنان همیشه از اختلافات مسلمین سود برده و به آن دامن زده‌اند.

لذا در عصر حاضر باید از هر کاری که وحدت مسلمین را مخدوش می‌کند، پرهیز شود. از نگاه امنیت و وحدت بین شیعه و سنی در داخل مرزهای کشور نیز ضروری است که از کارهای تفرقه‌آمیز در عزاداری‌ها و روضه‌خوانی پرهیز شود. مقام معظم

---

۱ . بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مداحان و ذاکرین اهل بیت (ع)



جستاری در تحریفات آیین عزاداری ..... ۵۷

رهبری نیز به این نکته تأکید دارند و مردم و مداحان و خطبا را به هوشیاری و پرهیز از تفرقه دعوت می‌نمایند.

« امروز دستهایی برای ایجاد شکاف بین فرقه های مسلمان وجود دارد کسانی که این تلاش را می‌کنند نه این طرف را قبول دارند، نه آن طرف را، هم با این طرف دشمن اند، هم با آن طرف، مراقب باشید با دست های خبیثی که در اصل از طرف همان مراکز استکباری و استعماری هدایت می‌شوند همکاری نکنید.»<sup>۱</sup>

مقام معظم رهبری با اشاره به راهبرد حضرت امام خمینی<sup>۱</sup> در اتحاد مسلمین اعلام می‌فرمایند که مروجین اختلاف امت اسلام را از میان خود طرد کنید:

« یک عده چرا نمی‌فهمند؟! امام بزرگوار ما که منادی اتحاد بین مسلمین بود، از همه اینهایی که مدعی‌اند، ولایتش و اعتقادش و ارادتش و عشقش به ائمه: بیشتر بود. او بهتر می‌فهمید ولایت را یا فلان آدم عامی که حالا به اسم ولایت کارهای خلاف می‌کند. حرف‌های بی ربط می‌زند در مجالس عام و خاص؟ وحدت را حفظ کنید. اگر دیدید در جامعه بین شما کسانی هستند که عکس این رفتار می‌کنند، آنها را طردشان کنید. مخالفت خودتان را به آنها ابراز و اعلام کنید. اینها ضرر می‌زنند

---

۱ . بیانات در دیدار جمعی از مداحان اهل بیت (ع) ۸۱/۶/۷

ضربه می‌زنند. ضربه‌ای به اسلام می‌زنند. ضربه‌ای به تشیع می‌زنند. ضربه‌ای به جامعه اسلامی می‌زنند. این از جمله مسایل بسیار مهم است.<sup>۱</sup>»

### آسیب‌های ساختاری آیین عزاداری

#### ۱. رواج سبک‌ها و اشعار غنایی، مبتذل، تقلیدی

در بعضی مراسم عزاداری استفاده از موسیقی‌های لهوی و حرام رواج پیدا کرده است.

در مراسم عزاداری از هر آهنگی و از هر تعبیری نمی‌توان استفاده کرد. شأن عزاداری امام حسین<sup>۷</sup> بالاتر از این است که با این آهنگ‌ها و تعابیر سبک مخلوط شود. مقام معظم رهبری به مداحان تأکید می‌فرمایند که هر آهنگی به درد مجالس عزاداری نمی‌خورد؛

« نکته سوم، هنر تفهیم است. هر آهنگ و آوازی به درد شما نمی‌خورد. آهنگ و آواز خاصی به درد شما می‌خورد آن هم با شیوه بیان خاص مداحی، اگر کار مهم نبود من در بیان این جزئیات معطل نمی‌شدم. اما کار خیلی مهم است، اگر این کار، خوب انجام بگیرد که بحمدالله ما در طول سال‌های متمادی بسیاری از برادران را دیدیم که این کار را خوب هم انجام می‌دادند و می‌

---

۱. بیانات در دیدار جمعی از مداحان اهل بیت (ع) ۸۱/۶/۷

دهند. نقش فوق العاده مؤثر و والایی در پیشرفت فکری و اعتقادی و اسلامی جامعه ما خواهد داشت»<sup>۱</sup>

مقام معظم رهبری مداحان را از بکارگیری آهنگ‌های نامناسب، سبک و تقلیدی از خوانندگان مبتذل پرهیز می‌دهند؛

« نکته آخر هم آهنگ است. من شنیده‌ام در مواردی از آهنگ‌های نامناسب استفاده م شود. مثلاً فلان خواننده طاغوتی یا غیر طاغوتی شعر عشقی چرندی را با آهنگی خوانده، حالا ما بیاییم در مجلس امام حسین<sup>۷</sup> و برای عشاق امام حسین<sup>۷</sup> آیات والای معرفت را در این آهنگ بریزیم و بنا کنیم آن را خواندن، این خیلی بد است، خودتان آهنگ بسازید. این همه ذوق و این همه هنر وجود دارد. یقیناً در جمع علاقه‌مندان به این جریان کسانی هستند که می‌توانند آهنگ‌های خوب مخصوص مداحی بسازند. آهنگ عزا، آهنگ شادی»<sup>۲</sup>

مقام معظم رهبری مداحان را از تقلید موسیقی غربی بازداشته و بر نوآوری در عرصه موسیقی اصیل ایرانی تاکید می‌نمایند؛

« ما در قدیم از زبان موسیقیدان‌های معروف شنیده بودیم که می‌گفتند موسیقی اصیل ایرانی را نوحه خوان‌ها و شیعه خوان‌ها حفظ کرده‌اند. موافق خوان، مخالف خوان،

---

۱. بیانات مقامات معظم رهبری در دیدار جمعی از مداحان ۶۹/۱۰/۱۷

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از مداحان ۸۴/۵/۵

علی اکبر خوان، قاسم خوان، هر کدام یک دستگاهی را به اینها می‌دادند که باید در آن دستگاه بخوانند. این موجب شد که موسیقی نانوخته ایرانی که نه نت داشت نه نوشته داشت و نه چیز دیگری داشت بتواند برسد به دست کسانی که اینها را با نت و شیوه‌های جدید بتوانند ثبت و ضبط کنند. حالا جوان امروز چه خواننده رادیو و تلویزیون که متأسفانه آنجا از این جهت وضع خوبی ندارد چه خواننده جلسه مداحی، ناگهان بیاید آهنگ‌های اروپایی را آن هم به شکل غلط و با بلد بنا کند به خواندن سبک‌هایی که فرض کنید حالا فلان خواننده غربی یا مقلد غرب آن غربی یک وقتی خواننده ما این را از او یاد بگیریم و بنا کنیم خواندن که قبل از انقلاب هم متأسفانه همین کارها را کردند. موسیقی اصیل ایرانی را که می‌توانست نوع حلال هم داشته باشد. البته همان موسیقی اصیل یک نوعش هم حرام است. فرقی بین ایرانی و غیر ایرانی نیست. همان را هم ضایع کردند. البته بعد از انقلاب بهتر شد. اما حالا مثلاً مداح یا خواننده ما بیاید در رادیو و تلویزیون به تقلید آن هم غلط آهنگ غربی یا آهنگ لهُو را در مجلس ایمان و در مجلس معنویت تکرار کند، این درست نیست. این غلط است، نوآوری، درست، اما نه اینجور این مربوط به آهنگ است. البته صدای خوب را

می توان با آهنگ بد خراب کرد، صدای متوسط را می توان با آهنگ خوب آرایش داد و خود آهنگ یک مسأله است»<sup>۱</sup>.

## ۲. شعورگریزی در عزاداری ها

اکتفا به مداحی و سینه زنی آسیب دیگر مجالس عزاداری است. مجالس عزاداری امام حسین<sup>۷</sup> برپا می شود تا معرفت ما نسبت به تاریخ اسلام و معارف اسلامی بیشتر بشود. باید در مجالس عزاداری شور را با شعور پیوند داد. مجلس عزاداری در طول تاریخ منشأ روشنگری و ره یابی به حقیقت بوده است. مقام معظم رهبری می فرمایند که عزاداری ها نباید فقط سینه زنی و زنجیر- زنی باشد بلکه باید همراه با معارف اسلامی باشد؛

« نباید بگذارید منبر ده دقیقه یا بیست دقیقه ای شما از معارف خالی بماند. امسال دیدم بعضی از برادران مداح در ماه محرم و در دهه فاطمیه بحمدالله این نکته را رعایت کرده بودند»<sup>۲</sup>

مقام معظم رهبری به مداحان می فرمایند وقت مردم را بیهوده تلف نکنید؛

---

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از مداحان ۸۶/۴/۱۴

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از مداحان ۸۴/۵/۵

« امروز خوشبختانه اقبال مردم به این حرفه و هنر چند پهلوی و چند جانبه زیاد است. جوان‌ها در تهران و شهرستان‌ها به جلسات مداحی علاقه و توجه دارند. این مسؤولیت شما آقایان مداح را مضاعف می‌کند. مبدا پانصد هزار نفر، هزار نفر، گاهی ده هزار نفر در جلسه‌ای جمع شوند و یک ساعت برای آنها نغمه سرایی بشود اما چیزی به آنها داده نشود. شما در این یک ساعت می‌توانید چیزهای زیادی را به شعر خوب منتقل کنید. البته شعر خوب همانطور که گفتیم تنها شعری نیست که معانی خوبی دارد. بلکه باید شعر هنرمندانه باشد و الفاظ خوب و کلمات مناسب هم در آن به کار رفته باشد»<sup>۱</sup>

### ۳. بدعت گذاری در عزاداری‌ها

متأسفانه طی سال‌های اخیر شاهد پر رنگ شدن مظاهر غلط عزاداری‌ها در بخشی از جامعه بوده‌ایم که ریشه در ناآگاهی و عدم شناخت برگزار کنندگان آن از فرهنگ عاشورا و عزاداری‌های محرم دارد.

در سوگواری‌های محرم برخی ناهنجاری‌ها مانند قمه‌زنی و شیوه ناموجه سینه‌زنی و زنجیرزنی تیغ دار، عزاداری را از حالت سادگی و بی‌پیرایگی بیرون کرده است. عَلم گردانی و نصب

---

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از مداحان ۸۰/۶/۱۸

جستاری در تحریفات آیین عزاداری ..... ۶۳

شمایل منتسب به معصومین: از جمله امور خرافی است که متأسفانه چهره عزاداری امام حسین <sup>۷</sup> را به عنوان نماد جهل و نادانی معرفی می‌نماید.

در حکومت والایی که جهت و راهبرد حکومت معرفی اسلام راستین است، مبارزه با اینگونه اعمال جاهلانه در عزاداری‌ها از ضرورت‌ها می‌باشد. به همین خاطر مقام معظم رهبری با قدرت و شجاعت درمقابل این انحرافات بویژه قمه‌زنی بپا خاستند و با حکم حکومتی خود آن را حرام و ممنوع نمودند.

حکم حکومتی مقام معظم رهبری در مورد قمه زنی از گذشته‌های دور اعمال خرافی در دین وارد شده است که موجب وهن دین و مذهب است؛ بخصوص در شرایط فعلی جهان که دشمنان دین اسلام بویژه تشیع دنبال این هستند که به نحوی ضربه به ساحت دین وارد نمایند. این اعمال خرافی بهترین راه است. برجسته کردن اعمال خرافی و به قضاوت افکار عمومی گذاشتن آن بهترین وسیله ممکن است به طور مثال در سال‌های گذشته دشمنان تشیع با فیلم برداری از مراسم قمه زنی و ارسال آن در شبکه های ماهواره ای و اینترنتی چهره‌ای خشن و جاهلانه از پیروان مذهب تشیع به جهان معرفی می‌کردند.

درواقع یک عمل خرافی و جاهلانه که از ساحت شیعیه و اهل بیت: بدور است و هیچ ریشه دینی هم ندارد بهانه به دست دشمن می‌دهد. در بعضی جوامع که عناد و دشمنی آنان با مذهب جنبه

رسمی داشت مثل شوروی سابق، دستورالعمل رؤسای کمونیستی این بوده است که مسلمانان بویژه شیعه حق ندارند نماز بخوانند، مسجد بروند، قرآن بخوانند و عزاداری کنند. اما اجازه داده بودند قمه بزنند؛ چرا که قمه زدن برای آنها یک وسیله تبلیغ بر ضد دین و بر ضد شیعه بود.

مقام معظم رهبری با درک این ضرورت که در شرایط فعلی این اعمال ضربات سنگینی به دین وارد و دست دشمنان را برای حمله به شیعه باز می گذارد به مبارزه با این عمل خرافی پرداختند. مقام معظم رهبری در آستانه ماه محرم در جمع مردم کهگیلویه و بویراحمد و همچنین در پاسخ به نامه امام جمعه اردبیل مرحوم حجة الاسلام مروج در تاریخ ۷۳/۳/۲۷ به تبیین دلایل حرمت این عمل خرافی و ضد مذهب پرداختند و حرمت شرعی و قانونی آن را به دلایل زیر اعلام فرمودند:

#### الف: جعلی بودن

«قمه زنی، سنتی جعلی است. از اموری است که مربوط به دین نیست و بلاشک خدا هم از انجام آن راضی نیست»<sup>۱</sup>

#### ب: بدعت بودن

«من حقیقتاً هر چه ذکر کردم، دیدم نمی توانم این مطلب قمه زنی را که قطعاً یک خلاف و یک بدعت است به

---

۱ . بیانات مقام معظم رهبری در جمع مردم کهگیلویه و بویراحمد در آستانه



اطلاع مردم عزیزمان نرسانم این کار را نکنید بنده راضی  
نیستم»<sup>۱</sup>

### ج: وهن شیعه

« اینجانب می بینم که چگونه اخلاص و محبت مردم به  
سالار شهیدان حضرت سیدالشهدا و حضرت اباعبدالله  
الحسین<sup>۷</sup> مورد جفا در قضاوت های جهانی واقع می-  
شود، چگونه درک روشن بینانه آنان در اعتقاد به مقام  
والای اهل بیت: به خاطر بعضی اعمال جاهلانه حمل بر  
اموری می شود که از ساحت شیعه وائمه بزرگوارشان بسی  
دور است.»<sup>۲</sup>

د: خرافی بودن و مصداق عزاداری نبودن قمه

### زنی

« کار غلطی است که عده ای قمه به دست بگیرند و به سر  
خودشان بزنند و خون بریزند. این کار را می کنند که چه  
بشود. کجای این حرکت عزاداری است. ... شما تا به حال  
دیدهاید که فردی به خاطر رویکرد مصیبت عزیزترین

---

۱. همان

۲. پاسخ به نامه امام جمعه اردبیل ۷۳/۳/۲۷

عزیزانش با شمشیر به مغز خود بکوبد و از سر خود خون جاری کند؟ کجای این کار عزاداری است.<sup>۱</sup>

● پیامدهای سوء این ساختارشکنی

رهبر فرزانه انقلاب اسلامی با تیزبینی آثار و بازتاب های منفی قمه زنی رادر جامعه و در جهان گوشزد می نمایند.

۱. مخدوش شدن چهره تشیع

« نباید کاری کنیم که آحاد جامعه اسلامی برتر یعنی جامعه محب اهل بیت: که به نام مقدس ولی عصر ارواحنا فداه به نام حسین بن علی<sup>۷</sup> و بنام امیرالمومنین مفتخرند در نظر مسلمانان و غیر مسلمانان عالم به عنوان یک گروه آدم‌های خرافی، بی منطق معرفی شوند.»<sup>۲</sup>

۲. سوء استفاده دشمن از قم زنی برای

تبلیغ بر ضد شیعه

« می-بینیم که چگونه عزاداری برجگر گوشگان زهرای اطهر<sup>۳</sup> مورد تبلیغ سوء دشمنان متعصب و تبلیغاتچی‌های شیطان استعمار قرار می‌گیرد. می‌بینیم که بعضی اعمالی که هیچ ریشه دینی ندارد

---

۱ . بیانات مقام معظم رهبری در جمع مردم کهگیلویه و بویراحمد در آستانه

محرم ۷۳/۳/۱۷

۲ . همان

جستاری در تحریفات آیین عزاداری ..... ۶۷

بهبانه به دست دشمن مغرض می‌دهد که بدان وسیله هم اسلام و هم تشیع را العیاذ بالله به عنوان آیین خرافی معرفی کنند.»<sup>۱</sup>

۳. ضایع شدن فداکاری گذشتگان برای

### حفظ آبروی تشیع

« شیعه محب و مخلصی که در روز عاشورا با قمه سر و روی خود و حتی کودکان خردسال خود را خونین می‌کند، آیا راضی است که با این عمل خود در روزگاری که هزاران چشم عیب جو و هزاران زبان بدگو در پی بد معرفی کردن اسلام و تشیع است، عمل او را مستمسک دشمنی خود قرار بدهد؟ آیا راضی است که با تظاهر به این عمل خون ده‌ها هزار جوان بسیجی صفت عاشق را که برای آبرو دادن به اسلام و تشیع و نظام جمهوری اسلامی بر زمین ریخته شده است ضایع سازد؟»<sup>۲</sup>

مقام معظم رهبری در حرام اعلام کردن قمه‌زنی فقط به ضرر جسمی آن توجه ندارد بلکه ضررهای اجتماعی قمه‌زنی و مضرات بزرگ تبلیغی آن را که با آبروی اسلامی و شیعه سروکار دارد مورد اشاره قرار داده و به همین خاطر می‌فرمایند:

« قمه زنی علنی و همراه با تظاهر حرام و ممنوع است»<sup>۳</sup>

---

۱. همان

۲. پاسخ به نامه امام جمعه اردبیل ۷۳/۳/۲۷

۳. بیانات مقام معظم رهبری در جمع مردم کهگیلویه و بویراحمد در آستانه

محرم ۷۳/۳/۱۷

مقام معظم رهبری قمه زنی را خلاف عقلانیت و فرهنگ امروزی رایج در میان خانواده‌های مسلمان دانسته و می‌فرماید:

«بنظر ما قمه‌زنی یک خلاف شرع قطعی بوده و هست ... چرا در جاهایی برای این چیزهایی بعضاً خرافی انگیزه وجود دارد؟ آنها هم که جنبه خرافی محض ندارند لاقلاً این مقدار هست که در دنیای امروز در فرهنگ رایج جهانی امروز در عقلانیاتی که امروز در داخل خانه‌های ما و در بین جوانان و دختران و پسران ما رایج است. عکس العمل نامناسب ایجاد خواهد کرد. اینها از بینات شرع نیست که ما بگوییم چه دنیا بپسندد و چه نپسندد ما باید اینها را بگوییم. حداقل اینها «مشکوک فیه» است.»<sup>۱</sup>

توجه به دیدگاه‌های رهبر انقلاب که با لحاظ ابعاد فقهی، سیاسی - اجتماعی و فرهنگی این زاییده فرهنگی را با تعمق بررسی می‌کند نمایانگر بدعت‌های ناروائی است که پیکره مناسک دینی را با خرافات آلوده می‌نماید و وجهه بیرونی ناموزون و نامعقولی‌الز مذهب ارائه می‌دهد که در چشم جهانیان با تحقیر و تمسخر روبرو می‌شود؛ از باب تعمیم‌گرایی و شمول‌گرایی پدیده‌های اجتماعی، می‌توان دیگر پدیده‌های نوظهور فرهنگی در عرصه مناسک عزاداری را همین‌گونه تحلیل نمود؛ یعنی برآیندها و

---

۱ . بیانات مقام معظم رهبری در جمع نمایندگان مجلس خبرگان رهبری

جستاری در تحریفات آیین عزاداری ..... ۶۹

پیامدهای فقهی، فرهنگی و سیاسی یک مسئله می‌تواند زوایا و ابعاد آن را هویدا سازد و ناراستی‌های آن را برملا نماید؛ اگرچه داعیه‌داران چنین رفتارهایی با لحاظ عنصر تعصب دینی، وفاداری به عاشورا به دنبال توجیه هستند ولی این ادعاهای به ظاهر دلسوزانه نیز نمی‌تواند توجیه‌گر پدیده‌های جعلی زاینده شده در بستر فرهنگ مذهبی باشد.



## استاد شهید مطهری<sup>۱</sup> و بازخوانی فرهنگ

### عاشورا<sup>۱</sup>

عاشورا و الهامات آن - در طول تاریخ - به زندگانی شیعیان رنگ و بو و محتوایی تازه بخشیده، تمامی شئون آن را متأثر ساخته، با فرهنگ روزمره آنان عجین گشته و فرهنگی متشکل و مجزا در قد و قامتی جدید شکل داده است که ما آن را فرهنگ عاشورا می‌نامیم.

بنابراین، فرهنگ عاشورا آن دسته از اندیشه‌ها، رفتارها و سنت‌هایی است که از حادثه عاشورا سرچشمه گرفته و حالت فردی ندارند.

---

۱ - این مبحث نگاهی تحلیلی به کتاب حماسه حسینی استاد شهید مطهری است.

در طول تاریخ و در گذر زمان، آسیب‌ها، تحریف‌ها و آفت‌هایی متوجه این فرهنگ بوده است که آن را از طراوت و تازگی و پاسخ‌گویی کامل و مداوم به نیازهای زمان بازداشته است. این مسئله ناشی از عوامل مختلفی بوده است که مهم‌ترین آن فلسفه بافی‌های انحرافی نسبت به قیام عاشورا بوده است؛ گرچه هرگاه غبارها و برده‌پندارهای غلط به کنار رفته، این فرهنگ نقشی دگرگون‌ایفا نموده است که نمونه بارز آن انقلاب اسلامی ایران است.

در این میان، البته مصلحان و آسیب‌شناسان آگاه، بیدار، مسئولیت‌شناس و شجاعی بوده‌اند که تیرهای ملامت را از هر سو به جان خریده‌اند و بر آفت‌ها و آسیب‌ها تاخته‌اند و بر تحریفات فریاد کشیده‌اند.

از خیل این مصلحان، استاد شهید مرتضی مطهری، چونان دیده‌بانی هوشیار، با فهمی استوار و بیانی‌گیرا، بر این نابسامانی‌ها و ناهنجاری‌ها برمی‌آشوبد و فریاد او، با توجه به سیر انقلاب اسلامی، تأثیری به سزا در میان اقشار مختلف مردم می‌گذارد.

## • پایگاه فکری شهید مطهری در آسیب‌شناسی

### فرهنگ عاشورا

شهید مطهری<sup>۱</sup>، سرفصل مستقلی از تفکرات و حرکت‌های اصلاحی در فرهنگ عاشورا، هم از حیث گستره و ابعاد



تأثیرگذاری، و هم از جهت میزان تأثیرگذاری است. تحلیل و پژوهش وی نسبت به فلسفه قیام عاشورا و آسیب‌شناسی و تحریف‌شناسی فرهنگ عاشورا را باید به اختلاط و امتزاج دوگانه فکری استاد معطوف دانست. استاد شهید، از یک سو، شخصیتی برخاسته از پایگاه حوزه علمیه است در این مدت سه شخصیت در تکوین و تکمیل بنیادهای فکری استاد، نقش مهمی ایفا می‌نمایند که استاد نیز در مواضع مختلف، به تجلیل از این سه تن پرداخته و سهم آنان را در پرورش شخصیت فکری خویش ستوده است؛ این سه شخصیت بزرگوار، امام خمینی<sup>۱</sup> آیت‌الله العظمی بروجردی<sup>۱</sup> و علامه سید محمد حسن طباطبایی<sup>۱</sup> هستند.

در مورد پایگاه فکری استاد باید گفت که پایگاه فکری ایشان، پایگاه یک عالم مصلح نواندیش اسلامی است؛ ایشان از سویی دغدغه خلوص آموزه‌های دینی را دارد و از سوی دیگر، دغدغه توانمندی و روزآمدی معارف دینی را در سر می‌پروراند که اولی به محیط حوزه علمیه و دومی به محیط دانشگاه و حلقه‌های روشنفکری دینی مربوط می‌شود در همین راستا، در اندیشه‌های شهید مطهری، تلفیق مباحث درون دینی با مباحث برون دینی مشاهده می‌شود و ایشان، هیچ‌گاه نگاهی یک‌سویه و ناقص به مسائل ندارند. در موضوع مورد بحث؛ یعنی آسیب‌شناسی و تحریف‌شناسی عزاداری نیز، ایشان چنین رویکردی دارد،

۷۴..... جستاری در تحریفات آیین عزاداری

رویکردی که هم به آسیب‌ها و تحریفات لفظی و هم به تحریفات معنوی توجه نشان می‌دهد و هر دو را به یک سو هدایت می‌کند. با این همه، حرکت ایشان یک حرکت بنیادی و اصلاح‌گرا و به دور از افراط است.

ایشان هم به دغدغه‌ها و نقادی‌های مرحوم محدث نوری<sup>۱</sup> توجه دارد و در آسیب‌شناسی عاشورا از آن بهره می‌گیرد و هم به دغدغه‌های روشنفکران دینی که بیشتر متوجه آسیب‌های معنوی فرهنگ عاشورا است، توجه می‌کند.

#### • مفهوم، انواع و عوامل آسیب‌های (تحریفات)

##### فرهنگ عاشورا

شهید مطهری<sup>۱</sup> حادثه عاشورا را واقعه شگفت و عظیمی معرفی می‌کند که فرصت طلبان و ناآگاهان همواره در صدد تحریف و منحرف نمودن آن بوده‌اند.

استاد شهید، از نظر لفظی، تحریف را از ماده (حرف) در زبان عربی می‌داند که به معنای متمایل کردن یک چیز از مسیر اصلی است؛ یعنی معادل نسبی تغییر و تبدیل است.

در انواع تحریف، شهید مطهری<sup>۱</sup> بر دو نوع اصلی تکیه می‌کند؛ تحریف لفظی و تحریف معنوی. تحریف لفظی به معنای تصرف در ظاهر لفظ و سخن است و تحریف معنوی، تغییر مراد و مفهوم سخن است.

جستاری در تحریفات آیین عزاداری ..... ۷۵

ایشان سپس به کاربرد لفظ تحریف در قرآن اشاره می کند و تحریف را از نظر قرآنی به یهودیان منتسب می داند و به این آیه از قرآن اشاره می کند که می فرماید:

« أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ »<sup>۱</sup>

که قرآن طی آن تحریف در کلام خداوند را پس از فهم معنای واقعی، به یهود نسبت می دهد.

#### ● مصادیق تحریفات لفظی

چنان که پیش از این گفته شد، شهید مطهری در بخش تحریفات لفظی، به شدت از مرحوم محدث نوری<sup>۱</sup> و کتاب او در زمینه تحریفات عاشورا؛ یعنی لؤلؤ و مرجان متأثر است. ایشان مصادیق تحریفات لفظی را بیشتر از لؤلؤ و مرجان نقل نموده و صراحت و شجاعت محدث نوری را تحسین می نماید.

یکی از این مصادیق، آب خواستن امام حسین<sup>۷</sup> در پایین منبر علی<sup>۷</sup> و آب آوردن عباس<sup>۷</sup> برای ایشان است. نمونه دوم جلال و شکوه و جبروت و روی کرسی مرصع نشستن سیدالشهدا در مکه است.

نمونه سوم، حضور لیلا مادر علی اکبر در کربلا و نذر او که اگر علی اکبر سالم بماند، او مسیر کربلا تا مدینه را ریحان بکارد.

نمونه دیگری که شهید مطهری<sup>۱</sup> از قول محدث نوری نقل می نماید، داستان عروسی قاسم در روز عاشورا است. مصادیق دیگری که ذکر می شود، زنده شدن هاشم مرقان در روز عاشورا و داشتن نیزه ای با ۶۰ ذرع و رقم سپاه عمر سعد به یک میلیون و ششصد هزار نفر، هفتاد ساعته بودن روز عاشورا، کشته شدن سیصد هزار نفر به دست امام حسین (ع) و ملاقات امام زین العابدین با جابر در روز اربعین است.

شهید مطهری<sup>۱</sup> پس از ذکر این مصادیق و نشان دادن بی پایگی آنها می نویسد: «آن چیزی که بیشتر دل انسان را به درد می آورد، این است که اتفاقاً در میان وقایع تاریخی، کمتر واقعه ای است که از نظر نقل های معتبر، به اندازه حادثه کربلا غنی باشد؛ یکی از چیزهایی که سبب شده متن این حادثه محفوظ بماند و هدفش شناخته بشود، این است که در این حادثه خطبه زیاد خوانده شده است.»

ایشان در ادامه می گوید: «قضایای کربلا، قضایای روشنی است و سراسر این قضایا هم افتخارآمیز است، ولی ما آمده ایم چهره این حادثه تابناک تاریخی را تا این مقدار خدشه دار کرده ایم؛ بزرگ ترین خیانت ها را ما به امام حسین<sup>۷</sup> کرده ایم»

#### • عوامل تحریف

شهید مطهری، عوامل تحریف را به دو بخش تقسیم می کند ۱- عوامل عمومی ۲- عوامل خصوصی . عوامل عمومی تحریف، به

حادثه عاشورا اختصاص ندارند. ایشان دو عامل غرض‌ورزی دشمنان و حس اسطوره‌سازی بشر را از عوامل عمومی تحریف فرهنگ عاشورا معرفی می‌کنند.

درباره عامل اول، ایشان به تلاش حکومت اموی از همان ابتدای کار، برای تحریف نهضت حسینی اشاره می‌کنند و برای مثال، نامه یزید به ابن زیاد مبنی بر اخلال و افساد مسلم در کوفه را مطرح می‌کند. اما شهید مطهری<sup>۱</sup> با ذکر این عامل می‌نویسد: «این تحریف اثر نکرد. در حائنه کربلا با کمال تاسف هر چه تحریف شده است از ناحیه دوستان است»

دومین عامل عمومی، تمایل بشر به اسطوره‌سازی و افسانه‌سازی است. ایشان مثال‌هایی از اسطوره‌سازی‌ها درباره ابوعلی سینا و شیخ بهایی نقل می‌کند و آن‌گاه نمونه‌هایی از آن را در تاریخ اسلام ذکر می‌کند.

اما عامل خصوصی، یعنی عاملی که عمومیت ندارد، بلکه مختص، حادثه عاشورا است، چیست؟ شهید مطهری<sup>۱</sup> این عامل خصوصی را در پاسخ‌های انحرافی به چرایی تأکید و دستورات اکید معصومین: به تجدید خاطره و مصیبت امام حسین<sup>۷</sup> می‌داند. پاسخ‌هایی چون تسلی خاطر حضرت زهرا<sup>۳</sup> کفار گناهان بودن و نیز استفاده از وسیله نامقدس همچون دروغ و ریا برای یک هدف مقدس.

#### ● کتب تحریف‌گر

شهید مطهری<sup>۱</sup> در این زمینه از دو کتاب که دارای تحریفات فراوانی هستند، نام می‌برد که ظاهراً این نیز به پیروی از مرحوم محدث نوری<sup>۱</sup> است. استاد به شدت به این دو کتاب می‌تازد،

وی نسبت به ملاحسین کاشفی، مؤلف روضة الشهداء که اگرچه او را فردی دارای فضل می‌داند که در وعظ تبحر داشته است، اما در عقیده وی نسبت به تشیع اظهار تشکیک می‌نماید و او را از این جهت فردی بوقلمون صفت می‌نامد و روضة الشهداء را حاوی جعلیات بی شماری در نقل وقایع و ثبت اسامی و داستان‌ها و حاوی افسانه بردازی معرفی می‌نماید.

ایشان همچنین کتاب اسرارالشهادة تالیف مرحوم ملاآقا دربندی را نیز یکی از منابع تحریف زا درباره عاشورا معرفی می‌کند و درباره اسرارالشهادة می‌نویسد: «تمام حرف‌های روضة الشهداء را به اضافه یک چیزهای دیگر، همه را یک جا جمع کرد که دیگر واویلا است؛ واقعا بر اسلام باید گریست».

#### ● شهید مطهری و تحریفات معنوی در فرهنگ

##### عاشورا

شهید مطهری<sup>۱</sup> از تحریف معنوی به توجیه و تفسیر خلاف معنی واقعی یاد می‌کند و نمونه‌ای از تحریف معنوی در صدر اسلام را تحریف این جمله پیامبر به عمار که فرمودند: «ای عمار تو را دسته‌ای سرکش می‌کشند»، معرفی می‌کند این جمله توسط معاویه تحریف معنوی شد و او گفت که عمار را علی<sup>۲</sup> کشته است که او را به جنگ آورده است.

شهید مطهری با بیان شروط مقدس بودن یک نهضت، یعنی شخصی نبودن و انسانی بودن یک نهضت، دارای بینش و بصیرت

قوی بودن و پیشتاز بودن و تک بودن، نهضت حسینی را نهضتی مقدس برمی‌شمارد و به بیان این نکته می‌پردازد که هر چه نهضت مقدس‌تر و دارای اهدافی عالی‌تر باشد، تحریفات معنوی در آن بیشتر است.

شهید مطهری<sup>۱</sup> دو تحریف معنوی در نهضت عاشورا ذکر می‌کند و به صورتی جدی به نقد آن می‌پردازد؛

نخستین تحریف معنوی که استاد از آن یاد می‌کند، این تفکر است که شهادت حسین<sup>۷</sup> کفاره گناهان امت است. ایشان این تفکر را تفکری مسیحی معرفی می‌کند و می‌گوید: «می‌گوییم امام حسین کشته شد، برای اینکه گناهان ما بخشیده شود. نمی‌دانیم که این فکر را ما از دنیای مسیحیت گرفته ایم؛ ملت مسلمان خیلی چیزها را، ندانسته از دنیای مسیحیت بر ضد اسلام گرفت، یکی همین است. یکی از اصول و معتقدات مسیحیت، مسئله به صلیب رفتن مسیح است. برای اینکه فادی باشد.

الآن «الفادی» لقب مسیح است ... می‌گویند مسیح به دار رفت و این به دار رفتن عیسی، کفاره گناهان امت است. فکر نکردیم که این حرف مال دنیای مسیحیت است و با روح اسلام سازگار نیست، با سخن حسین سازگار نیست، به خدا قسم تهمت به اباعبدالله است ... اباعبدالله که برای مبارزه با گناه کردن قیام کرد، ما گفتیم قیام کرد که سنگری برای گنهکاران بشود، ما گفتیم یک شرکت بیمه تاسیس کرد، بیمه گناه. گفت شما را از نظر گناه بیمه

کردم، در عوض چه می‌گیرم؟ شما برای من اشک بریزید، من در عوض گناهان شما را جبران می‌کنم»  
دومین تحریف معنوی ای که شهید مطهری به تبیین آن می‌پردازد، آن است که نهضت حسینی، نهضتی است که به امام حسین<sup>۷</sup> اختصاص یافته است.

استاد شهید، نتیجه چنین فلسفه‌ای را غیرقابل پیروی بودن نهضت می‌داند. شهید این سخن را با کلام خود امام حسین<sup>۷</sup> مغایر می‌داند که آن حضرت علت قیام را به اصول کلی اسلام معطوف نموده‌است، نه یک دستور خصوصی.

ایشان می‌نویسد: «امام حسین<sup>۷</sup> مکتب به وجود آورد، ولی مکتب عملی اسلامی؛ مکتب او همان مکتب اسلام است. ولی اسلام بیان کرد و حسین عمل کرد، در درجه اول بیش از هر کس دیگر عمل کرد، ماهرانه آن را تحریف کردیم. برای اینکه این حادثه را از مکتب بودن خارج کنیم و قهرا از قابل پیروی بودن خارج کنیم. وقتی از مکتب خارج شد، دیگر قابل پیروی کردن نیست. وقتی قابل پیروی نشد، پس دیگر از حادثه کربلا، نمی‌شود استفاده کرد، از اینجا ما حادثه را از نظر داشتن اثر مفید عقیم کردیم»

#### ● فلسفه دستور ائمه اطهار: به سوگواری

شهید مطهری<sup>۱</sup> یکی از مسائلی را که موجب تعبیر و تفسیر بد و نارسا از حادثه عاشورا شده‌است، تعبیر نادرست از تأکید ائمه به



جستاری در تحریفات آیین عزاداری ..... ۸۱

سوگواری بر سیدالشهداء: می‌داند. ایشان در این زمینه، دو پاسخ انحرافی به این پرسش که چرا ائمه: به سوگواری بر امام حسین دستور داده‌اند را دو تحریف معنوی در فرهنگ عاشورا معرفی می‌کند.

ایشان پاسخ اول را سوگواری به خاطر تسلای خاطر حضرت زهرا ۳ عنوان می‌کند و به شدت به این ایده می‌تازد و آن را توهینی بزرگ به حضرت زهرا می‌داند. استاد شهید پاسخ دوم را، بی‌تقصیر کشته شدن و مظلوم بودن امام حسین ۷ معرفی می‌کند. شهید مطهری ۱ این نگاه را نگاهی عقب مانده می‌شمارد که در آن، امام حسین ۷ فردی نفله معرفی شده است. ایشان در این باره می‌گوید: «چه کسی گفته خون حسین بن علی ۷ هدر رفت؟ اگر در دنیا شما انسانی پیدا کنید که نگذاشت یک قطره خورش هدر برود، حسین بن علی ۷ است ... آدمی که کشته شدنش موجب شد که نام او پایه کاخ ستمکاران را یک قرن، دو قرن، ده قرن، بیست قرن بلرزاند، این آدم نفله شد؟! هدر رفت؟!».

#### • شهید مطهری ۱ و فلسفه صحیح قیام عاشورا

چنان که گفتیم، شهید مطهری در وادی نفی و رد فلسفه های تحریفی و انحرافی نسبت به قیام سیدالشهداء ۷ و منحرف نمودن فرهنگ عاشورایی، شجاعانه وارد می‌شود و به نقد همه آنها می‌پردازد؛ اما پرسش باقی مانده آن است که از منظر استاد شهید، فلسفه قیام اباعبدالله چیست؟

از نظر استاد، فلسفه قیام عاشورا، امر به معروف و نهی از منکر است و آنچه که باید در فرهنگ عاشورا نهادینه شود، همین عنصر و چند ماهیتی برمی‌شمارد و به بررسی عوامل نهضت و ارزش گذاری آنها می‌پردازد.

وی سه عامل تقاضای بیعت، دعوت مردم کوفه و امر به معروف و نهی از منکر را مورد بررسی قرار می‌دهد و تقاضای بیعت را اولین عامل، دعوت مردم کوفه را ضعیف‌ترین عامل و امر به معروف و نهی از منکر را عامل اصلی و اساسی نهضت معرفی می‌نماید؛ عاملی که می‌تواند تمامی حرکت و نهضت سیدالشهداء را تعبیر و تفسیر نماید.

این هدف و فلسفه نیز به تمامی در سخن و سیره امام حسین<sup>۷</sup> نمایان است و سخن امام به محمد حنفیه نیز نمایانگر این موضوع است:

« أَتَى لَمْ أَخْرَجْ أَشْرًا وَ لَأَ بَطْرًا وَ لَأَ مُفْسِدًا وَ لَأَ ظَالِمًا وَ  
إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي صَ أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ  
بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَ أَبِي  
عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ<sup>۱</sup>»

مردم دنیا بدانند که من یک آدم جاه طلب، مقام طلب، اخلال گر، مفسد و ظالم نیستم؛ من چنین هدف هایی ندارم؛ قیام من، قیام اصلاح طلبی است؛ قیام و خروج

کردم، برای اینکه می‌خواهم امت جدم را اصلاح کنم؛ من

می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم.

شهید مطهری<sup>۱</sup>، منطق شهید را منطق امر به معروف و نهی از منکر می‌داند و بالاترین ارزش را در نهضت حسینی از آن امر به معروف و نهی از منکر قلمداد می‌نماید. ایشان در این باره می‌گوید: «این عامل ارزش بسیار بیشتری از دو عامل دیگر، به نهضت حسینی می‌دهد. به موجب همین عامل است که این نهضت شایستگی پیدا کرده است که برای همیشه زنده بماند، برای همیشه یادآوری شود و آموزنده باشد. اگر دعوتی از امام نمی‌شد، حسین بن علی<sup>۷</sup> به موجب قانون امر به معروف و نهی از منکر نهضت می‌کرد؛ اگر هم تقاضای بیعت از او نمی‌کردند باز ساکت نمی‌نشست.»

#### ● وظایف خواص و عوام در برابر تحریفات

از دیدگاه شهید مطهری<sup>۱</sup>، هم خواص و هم عوام، در شکل‌گیری تحریفات و آسیب‌ها نقش داشته‌اند. همچنین هر دو گروه در زدودن این تحریفات و مبارزه با آنها نقش دارند. علما وظیفه دارند که در مقابل بدعت‌ها بایستند و با آنها مقابله کنند؛ همچنین با نقاط ضعف مردم مقابله کنند نه آن که از آنها استفاده کنند. دیگر آنکه باید با عوامل پیدایش تحریفات بستیزند، دست دشمنان را کوتاه کنند و با اسطوره‌سازی‌ها مبارزه نمایند.

عوام نیز باید خود را مسئول بدانند؛ چرا که بعضی از مسائل به درس خواندن احتیاج ندارد، بلکه فطرت سلیم می‌خواهد؛ بنابراین وظیفه مردم آن است که روضه‌های دروغ و حرف‌های سست را نپذیرند و نسبت به آنها واکنش نشان دهند.

### نتیجه

نهضت عاشورا نهضتی سترگ و نقطه عطفی اساسی در تاریخ تشیع به شمار می‌آید که در ساخت و بافت زندگی شیعیان، تأثیری بسزا نهاده و فرهنگ مخصوص به خود را شکل داده است. از آنجا که هر پدیده اجتماعی دچار آفت‌ها و آسیب‌هایی است، این فرهنگ نیز در طول زمان، رویاروی این آسیب‌ها و تحریفات قرار داشته و دارد. در این میان، شهید مطهری<sup>۱</sup> از بزرگ‌ترین کسانی است که به طور مؤثر در پیراسته کردن فرهنگ عاشورا و طرز تلقی از آن و مبارزه با آسیب‌ها و تحریفات گام برداشته است.

از دیدگاه شهید مطهری<sup>۱</sup>، فلسفه صحیح و اساسی قیام عاشورا که زاینده تحریفات و آسیب‌ها و عامل تحرک و پویایی فرهنگ عاشورا است، امر به معروف و نهی از منکر است؛ این فلسفه‌ای است که امام حسین<sup>۷</sup> خود بدان تصریح و اشاره می‌نماید و نهضت خود را بر پایه آن سامان می‌دهد.

از منظر استاد، تنها بر این پایه است که می‌توان نهضت عاشورا را تبیین نمود. از این رو، عوام و خواص، هر دو وظیفه ایستادگی در

برابر تحریفات لفظی و معنوی را دارند. شهید مطهری، در مقام مقایسه، از حیث روشی، به خصوص در بررسی تحریفات معنوی، به نظرات روشنفکران، به ویژه روشنفکران دینی توجه دارد و نگاه برون دینی آنها را در سطح تحلیل خود دخالت می-دهد. همچنین از حیث محتوا و استدلال به علمای دینی نزدیک است و از پایگاهی درون دینی، به پردازش مسائل و مباحث می-پردازد. ایشان از این حیث، از مرحوم محدث نوری<sup>۱</sup> و امام خمینی<sup>۱</sup> الهام گرفته است با اندیشه خود آن را پرورانده و به آن انسجام و قوام داده است.



## فقها و عزاداری امام حسین<sup>۷</sup>

مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی؛ در تاسوعا و عاشورا مقداری گل به جلوی عمامه خود می‌مالید و پای منبرهای وعظ و عزاداری می‌نشست.

● مرحوم آیت‌الله بروجردی؛ فرموده است: در یکی از سالها در بروجرد بودم و مبتلا به درد چشم عجیبی شدم که مرا بسیار نگران ساخته بود. معالجات هم مفید واقع نشد و درد چشم هر روز بیشتر و ناراحتی من افزون‌تر گردید. ماه محرم که فرا رسید و دسته عزای گل‌گیرها که نوعا سادات و اهل علم و محترمین

---

۱. منابع: عزاداری سنتی شیعیان، ج ۲، ص ۶۴۱ / الوقایع و الحوادث، ج ۳، ص ۳۴۱ / تشیع در ایران، ص ۲۳ / ابواب الجنان، فصل ششم، امام زمان<sup>۷</sup> و سید بحرالعلوم، ص ۱۹۶.

شهر بروجرد بودند در روز عاشورا سر و سینه خود را گل آلود کرده با سوز و گداز فراوان و ذکری جانسوز در آن روز تا ظهر عزاداری می‌کردند به خانه من می‌آمدند و وضع مجلس با ورود آنان هیجان عجیبی به خود گرفت. من در گوشه‌ای نشسته و آهسته آهسته اشک می‌ریختم. در این بین مقداری گل از روی یکی از عزاداران برداشته و بر چشمان ملتهب و ناراحتم کشیدم. به برکت همین توسل چشمهایم خوب شد و تا امروز علاوه بر اینکه مبتلا به چشم درد نشده‌ام، از نعمت بینایی کامل برخوردارم و به برکت امام حسین علیه السلام به عینک نیاز پیدا نکرده‌ام.

● آیت الله شیخ عبدالکریم حائری؛ در سنواتی که مقیم سامرا بودند و در درس میرزای شیرازی شرکت می‌نمودند، خود ایشان مداح و ذاکر هیئت اهل علم و دسته عزای حوزه علمیه سامرا بودند. شبی در خواب حضرت سیدالشهداء علیه السلام را می‌بیند و حضرت مشتی نقل به ایشان مرحمت می‌فرماید.

در احوال برخی از علمای شیعه آمده که دستور می‌دادند روز عاشورا فرش زیر پای ایشان را بردارند و به جای آن خاکستر بریزند و روی آن خاکسترها می‌نشستند و عزاداری می‌کردند.

● مرحوم حاج سید حسین قمصری؛ روز عاشورا زیر آسمان با سر و پای برهنه در حالتی که اشک می‌ریخت، زیارت عاشورا را قرائت می‌کرد. سپس داخل اتاق می‌شد و ظرف آبی مقابل خود



می گذاشت و به آن نگاه می کرد و برای تشنگی حضرت سیدالشهدا<sup>۷</sup> و اهل بیت و اصحاب آن حضرت می گریست.

● علامه سید مهدی بحرالعلوم؛ با عده‌ای از طلاب از کربلا به استقبال دسته سینه‌زنی طویریج می‌روند. ناگهان طلاب می‌بینند علامه با آن عظمت و مقام شامخ علمی مثل سایر سینه‌زنان میان دسته رفته و سینه می‌زند. طلابی که با معظم‌له به استقبال آمده بودند هر چه سعی می‌کنند مانع از آن همه احساسات پاک و محبت شوند میسر نمی‌گردد. بالاخره عده‌ای از طلاب برای حفظ سید بحرالعلوم اطراف ایشان را می‌گیرند که مبدا زیر دست و پا بیفتد و آسیب ببیند. بعد از اتمام برنامه سینه‌زنی بعضی از خواص از آن عالم بزرگ می‌پرسند: چگونه شد که شما بی اختیار وارد سینه‌زنی شدید و آن‌گونه مشغول عزاداری گردیدید؟ فرمود: وقتی به دسته سینه‌زنی رسیدم، دیدم حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا له الفداء با سر و پای برهنه میان سینه‌زنان به سر و سینه می‌زنند و گریه می‌کنند. من هم نتوانستم طاقت بیاورم، لذا در خدمت آن حضرت مشغول سینه‌زنی شدم.

در نجف اشرف، در ایام عاشورا جمع کثیری از علما که پیشاپیش آنان میرزای نائینی و سید جمال گلپایگانی و سید محمد هادی میلانی<sup>۴</sup> و جمعی دیگر از علما بودند، بر سر و سینه می‌زدند و خاک بر سر می‌ریختند و بعضی سر و صورت خود را به گل آغشته کرده، جهت عزاداری وارد صحن مطهر علوی<sup>۷</sup> می‌شدند،

شبهه به همین هیئت عزاداری در شهادت امیر المؤمنین<sup>ع</sup> هم حرکت می‌کرده است.

● میرزای شیرازی در عزاداری سیاه می‌پوشید و با پای برهنه همراه دیگر علمای حوزه علمیه نجف اشرف و سامراء به کربلا مشرف می‌شد، در حالی که پیشاپیش همه بود سینه‌زنان و نوحه-کنان به طرف حرم مطهر حضرت امام حسین<sup>ع</sup> و حضرت ابالفضل العباس<sup>ع</sup> می‌رفتند.

● میرزای قمی؛ همه ساله اضافه بر مراسم عزاداری و ذکر مصیبت امام حسین<sup>ع</sup> در منزل و تکیه خود، بعد از خاتمه منبر و مجلس در روز عاشورا برای عرض تسلیت با جمعیت پشت سر ایشان با پای برهنه و گل بر پیشانی، سینه‌زنان و نوحه‌کنان حرکت می‌کردند و به حرم مطهر وارد می‌شدند.

مرحوم آیت‌الله العظمی میرزا جواد تبریزی؛ می‌فرمودند: ای کاش به جای مرجعیت، روضه‌خوان سیدالشهدا<sup>ع</sup> بودم.

## استفتائات مقام معظم رهبری<sup>۱</sup> و مراجع عظام (کثر

الله امثالهم)

### • استفتائات مقام معظم رهبری (ادام الله ظلّه الوارف)

س ۱۴۴۰: در حسینیه‌ها و مساجد بیشتر مناطق به خصوص روستاها مراسم شبیه‌خوانی<sup>۲</sup> به اعتبار اینکه از سنت‌های قدیمی است برگزار می‌شود که گاهی اثر مثبتی در نفوس مردم دارد، این مراسم چه حکمی دارند؟

ج: اگر مراسم شبیه‌خوانی مشتمل بر امور دروغ و باطل نباشند و مستلزم مفسده هم نباشند و با توجه به مقتضیات زمان باعث وهن

---

۱ - استفتائات از مقام معظم رهبری درباره مراسم عزاداری (برگرفته از رساله

اجوبه‌الاستفتائات، پایگاه اطلاع رسانی معظم له )

۲ - شبیه خوانی: نمایش وقایع حادثه کربلا است که به صورت سنتی در یک مکان ثابت و یا در حال حرکت در مسیرهای عزاداری حسینی انجام می‌شود

۹۲..... جستاری در تحریفات آیین عزاداری

مذهب حق هم نشوند، اشکال ندارند، ولی در عین حال بهتر است که به جای آنها، مجالس وعظ و ارشاد و ذکر مصائب حسینی و مرثیه خوانی بر پا شود.

س ۱۴۴۱: استفاده از طبل و سنج و شیپور و همچنین زنجیرهایی که دارای تیغ هستند در مجالس و دسته‌های عزاداری چه حکمی دارد؟

ج: اگر استفاده از زنجیرهای مزبور موجب وهن مذهب در برابر مردم شود و یا باعث ضرر بدنی قابل توجهی گردد، جایز نیست ولی استفاده از شیپور و طبل و سنج به نحو متعارف اشکال ندارد. س ۱۴۴۲: در بعضی از مساجد در ایام عزاداری از عَلم‌های متعددی استفاده می‌شود که دارای تزئینات زیاد و گرانبهایی است و گاهی موجب سؤال متدینین از اصل فلسفه آنها می‌گردد و در برنامه‌های تبلیغی خلل ایجاد می‌کند و حتّی با اهداف مقدس مسجد تعارض دارد، حکم شرعی در این رابطه چیست؟

ج: اگر قرار دادن آنها در مسجد با شئون عرفی مسجد منافات داشته باشد و یا برای نمازگزاران مزاحمت ایجاد کند، اشکال دارد.

س ۱۴۴۳: اگر شخصی عَلمی را برای عزاداری سیدالشهدا<sup>۷</sup> نذر کرده باشد، آیا جایز است مسئولین حسینیّه از قبول آن خودداری کنند؟

جستاری در تحریفات آیین عزاداری ..... ۹۳

ج: این نذر، متولی حسینیه و هیأت امناء آن را ملزم به قبول عَلم نمی‌کند.

س ۱۴۴۴: استفاده از عَلم در مراسم عزاداری سیدالشهدا<sup>۷</sup> با قرار دادن آن در مجلس عزا یا حمل آن در دسته عزاداری چه حکمی دارد؟

ج: فی نفسه اشکال ندارد ولی نباید این امور جزء دین شمرده شوند.

س ۱۴۴۵: اگر بعضی از واجبات از مکلف به سبب شرکت در مجالس عزاداری فوت شود مثلاً نماز صبح قضا شود، آیا بهتر است بعد از این در این مجالس شرکت نکند یا اینکه عدم شرکت او باعث دوری از اهل بیت نمی‌شود؟

ج: بدیهی است که نماز واجب، مقدم بر فضیلت شرکت در مجالس عزاداری اهل بیت است و ترک نماز و فوت شدن آن به بهانه شرکت در عزاداری امام حسین<sup>۷</sup> جایز نیست، ولی شرکت در عزاداری به گونه‌ای که مزاحم نماز نباشد ممکن و از مستحبات مؤکد است.

س ۱۴۴۶: در بعضی از هیأت‌های مذهبی مصیبت‌هایی خوانده می‌شود که مستند به مقتل معتبری نیست و از هیچ عالم یا مرجعی هم شنیده نشده است و هنگامی که از خواننده مصیبت از منبع آن سؤال می‌شود، پاسخ می‌دهند که اهل بیت: اینگونه به ما فهمانده‌اند و یا ما را راهنمایی کرده‌اند و واقعه کربلا فقط در مقاتل نیست و

منیع آن هم فقط گفته‌های علما نمی‌باشد بلکه گاهی بعضی از امور برای مدّاح یا خطیب حسینی از راه الهام و مکاشفه مکشوف می‌شود، سؤال من این است که آیا نقل وقایع از این طریق صحیح است یا خیر؟ و در صورتی که صحیح نباشد، تکلیف شنوندگان چیست؟

ج: نقل مطالب به صورت مزبور بدون اینکه مستند به روایتی باشد و یا در تاریخ ثابت شده باشد، وجه شرعی ندارد مگر آنکه نقل آن به عنوان بیان حال به حسب برداشت متکلم بوده و علم به خلاف بودن آن، نداشته باشد و تکلیف شنوندگان نهی از منکر است به شرطی که موضوع و شرایط آن نزد آنان ثابت شده باشد. س ۱۴۴۷: از ساختمان حسینیه صدای قرائت قرآن و مجالس حسینی بسیار بلند پخش می‌شود به طوری که صدای آن از بیرون شهر هم شنیده می‌شود و این امر منجر به سلب آسایش همسایگان شده است و مسئولین و سخنرانان حسینیه اصرار به ادامه آن دارند، این عمل چه حکمی دارد؟

ج: اگر چه اقامه مراسم و شعائر دینی در زمانهای مناسب در حسینیه از بهترین کارها و جزو مستحبات مؤکد می‌باشد، ولی واجب است برگزارکنندگان مراسم و عزاداران تا حد امکان از اذیت و ایجاد مزاحمت برای همسایگان پرهیزند هرچند با کم کردن صدای بلندگو و تغییر جهت آن به طرف داخل حسینیه باشد.

جستاری در تحریفات آیین عزاداری ..... ۹۵

س ۱۴۴۸: نظر شریف حضرتعالی نسبت به ادامه حرکت دسته‌های عزاداری در شبهای محرم تا نصف شب همراه با استفاده از طبل و نی چیست؟

ج: به راه انداختن دسته‌های عزاداری برای سیدالشهدا و اصحاب او: و شرکت در امثال این مراسم امر بسیار پسندیده و مطلوبی است و از بزرگترین اعمالی است که انسان را به خداوند نزدیک می‌کند، ولی باید از هر عملی که باعث اذیت دیگران می‌شود و یا فی‌نفسه از نظر شرعی حرام است، پرهیز کرد.

س ۱۴۴۹: استفاده از آلات موسیقی مانند ارگ (از آلات موسیقی و شبیه پیانو است) و سنج و غیر آنها در مراسم عزاداری چه حکمی دارد؟

ج: استفاده از آلات موسیقی، مناسب با عزاداری سالار شهیدان نیست و شایسته است مراسم عزاداری به همان صورت متعارفی که از قدیم متداول بوده برگزار شود.

س ۱۴۵۰: آیا آنچه متداول شده که به عنوان عزاداری برای امام حسین<sup>۷</sup> گوشت بدن را سوراخ کرده و قفل و سنگ کیلو به آن آویزان می‌کنند، جایز است؟

ج: این گونه اعمال که موجب وهن مذهب می‌شوند جایز نیست. س ۱۴۵۱: اگر انسان در زیارتگاه‌های ائمه: خود را به زمین بیندازد و همانند بعضی از مردم که صورت و سینه خود را بر زمین

می‌مانند تا از آن خون جاری شود و به همان حالت وارد حرم می‌شوند، عمل کند چه حکمی دارد؟

ج: این اعمال که به عنوان اظهار حزن و عزاداری سنتی و محبت ائمه: محسوب نمی‌شوند از نظر شرعی اعتباری ندارند، بلکه اگر منجر به ضرر بدنی قابل توجه و یا وهن مذهب شوند، جایز نیست.

س ۱۴۵۲: در بعضی از مناطق زنان مراسمی را به اسم سفره حضرت ابوالفضل<sup>۷</sup> برای اجرای برنامه‌هایی به عنوان جشن عروسی حضرت فاطمه(علیهاالسلام) برگزار می‌کنند و در آن شعرهای عروسی خوانده و کف می‌زنند و سپس شروع به رقص می‌کنند، انجام این امور چه حکمی دارد؟

ج: برگزاری این جشنها و مراسم اگر همراه با ذکر اکاذیب و مطالب باطل نبوده و موجب وهن مذهب نشود، فی‌نفسه اشکال ندارد و اما رقص، اگر به گونه‌ای شهوت برانگیز یا مستلزم فعل حرام باشد، جایز نیست.

س ۱۴۵۳: باقی‌مانده اموالی که به عنوان هزینه‌های مراسم عاشورای امام حسین<sup>۷</sup> جمع‌آوری می‌شود، در چه موردی باید خرج شود؟

ج: می‌توان اموال باقی‌مانده را با کسب اجازه اهداء کنندگان آنها در امور خیریه مصرف کرد و یا آنها را برای مصرف در مجالس عزاداری آینده نگه داشت.



جستاری در تحریفات آیین عزاداری ..... ۹۷

س ۱۴۵۴: آیا جایز است در ایام محرم از افراد خیر اموالی را جمع آوری کرد و با تقسیم آنها به سهم‌های مختلف، قسمتی را به قاری قرآن و مرثیه‌خوان و سخنران داد و باقی‌مانده را برای برگزاری مجالس مصرف کرد؟

ج: اگر با رضایت و موافقت صاحبان اموال باشد، اشکال ندارد.

س ۱۴۵۵: آیا جایز است زنان با حفظ حجاب و پوشیدن لباس خاصی که بدن آنان را بپوشاند، در دسته‌های سینه‌زنی و زنجیرزنی شرکت کنند؟

ج: شرکت زنان در دسته‌های سینه زنی و زنجیر زنی شایسته نیست.

س ۱۴۵۶: اگر قمه زدن در عزاداری ائمه: موجب مرگ شخص شود، آیا این عمل خودکشی محسوب می‌شود؟

ج: اگر این عمل عادتاً منجر به فوت نمی‌شود حکم خودکشی را ندارد ولی اگر از همان ابتدا خوف خطر جانی برای او وجود داشته و در عین حال این کار را انجام داده و منجر به فوت وی شده است، حکم خودکشی را دارد.

س ۱۴۵۷: آیا شرکت در مجالس فاتحه‌ای که برای مسلمانی که با خودکشی از دنیا رفته، برگزار می‌شود جایز است؟ قرائت فاتحه

برای آنان بر سر قبرشان چه حکمی دارد؟

ج: این کار فی نفسه اشکال ندارد.

س ۱۴۵۸: خواندن مرثیه و مدیحه‌هایی که شنوندگان را در جشنهای تولد ائمه: و عید مبعث به گریه بیندازد چه حکمی دارد؟  
ریختن پول بر سر حاضرین چه حکمی دارد؟

ج: خواندن مرثیه و مدیحه در جشنهای اعیاد دینی اشکال ندارد و پاشیدن پول بر سر حاضرین هم بدون اشکال است بلکه اگر به قصد اظهار شادی و سرور و شادکردن قلوب مؤمنین باشد، ثواب هم دارد.

س ۱۴۵۹: آیا خواندن زن در مجالس عزاداری با علم او به اینکه مردان نامحرم صدای او را می‌شنوند جایز است؟  
ج: اگر خوف مفسده باشد باید از آن اجتناب شود.

س ۱۴۶۰: در روز عاشورا مراسمی مانند قمه زنی و پابرنه وارد آتش و ذغال روشن شدن برگزار می‌شود که علاوه بر اینکه باعث بدنام شدن مذهب شیعه اثنی عشری در انظار علما و پیروان مذاهب اسلامی و مردم جهان می‌شود، ضررهای جسمی و روحی هم به این اشخاص وارد می‌کند و همچنین موجب توهین به مذهب می‌گردد، نظر شریف حضرت‌عالی در این باره چیست؟

ج: هر کاری که برای انسان ضرر داشته و یا باعث وهن دین و مذهب گردد حرام است و مؤمنین باید از آن اجتناب کنند و مخفی نیست که بیشتر این امور باعث بدنامی و وهن مذهب اهل بیت: می‌شود و این از بزرگترین ضررها و خسارت‌هاست.

جستاری در تحریفات آیین عزاداری ..... ۹۹

س ۱۴۶۱: آیا قمه زدن به طور مخفی حلال است یا اینکه فتوای شریف حضرت عالی عمومیت دارد؟

ج: قمه زنی علاوه بر اینکه از نظر عرفی از مظاهر حزن و اندوه محسوب نمی‌شود و سابقه‌ای در عصر ائمه (علیهم‌السلام) و زمانهای بعد از آن ندارد و تأییدی هم به شکل خاص یا عام از معصوم<sup>۷</sup> در مورد آن نرسیده است، در زمان حاضر موجب وهن و بدنام شدن مذهب می‌شود بنا بر این در هیچ حالتی جایز نیست.

س ۱۴۶۲: معیار شرعی ضراعم از جسمی یا روحی چیست؟  
ج: معیار، ضرری است که در نظر عرف، قابل توجه و معتنا به باشد.

س ۱۴۶۳: زنجیر زدن به بدن همانگونه که بعضی از مسلمانان انجام می‌دهند، چه حکمی دارد؟

ج: اگر به نحو متعارف و به‌گونه‌ای باشد که از نظر عرفی از مظاهر حزن و اندوه در عزاداری محسوب شود اشکال ندارد. بنا بر این مصادیق مختلف عزاداری که اشکال ندارد - گرچه ممکن است در دین به آن امر نشده باشد - در فتاواى رهبر فرزانه انقلاب چنین آمده است:

۱. شبیه خوانی: اگر مشتمل بر امور دروغ نباشد (مسلتزم مفسده

نباشد، باعث وهن مذهب نشود)

۲. استفاده از شیپور، طبل و سنج: به نحو متعارف.

۳. عَلم: نباید جزء دین شمرده شود.

۱۰۰..... جستاری در تحریفات آیین عزاداری

۴. دسته عزاداری : بدون اذیت دیگران یا هر عملی که حرام باشد.

۵. زنجیرزنی: به نحو متعارف.

و مواردی که در فتاوی‌ای ایشان جایز دانسته نشده است عبارتست از :

۱. زنجیر زدن تیغ‌دار

۲. استفاده از ارگ در دسته‌جات

۳. سوراخ کردن گوشت بدن

۴. مالیدن سر و صورت بر زمین و خونی کردن آن

۵. شرکت زنان در دسته های سینه زنی و زنجیر زنی

۶. قمه زدن

۷. پاره‌پاره شدن و آتش شدن

۸. نقل مصیبت‌هایی که سند تاریخی یا روایی ندارد.

#### • احکام عزاداری در فتاوی‌ای مراجع

سوال: سینه زدن با بدن عربان در مجلس اباعبدالله ۷جائز است؟

پاسخ: سینه زدن با بدن عربان اگر نامحرمی او را نبیند و باعث گناه نشود، اشکالی ندارد، گرچه بر زن حرام است به بدن مرد نامحرم نگاه کند. بر مرد واجب نیست جز موارد ضرورت را بیوشاند ولی از نظر اخلاق بهتر است بدن خود را در معرض دید نامحرمان قرار ندهد.

جستاری در تحریفات آیین عزاداری ..... ۱۰۱

سوال: آیاسینه زنی در ماه محرم در حالی که بدن قرمز شود اشکال دارد؟

پاسخ: سینه زدن و زنجیر زدن برای عزاداری گرچه جای آن سرخ شود اشکالی ندارد و از ثواب بالایی برخوردار است، مشروط بر آن که موجب ضرر مهم و اضرار بر نفس نباشد.<sup>۱</sup>

سوال: درآوردن لباس و لخت شدن در مجلس عزاداری امام حسین<sup>۷</sup> بنا بر نظر آیه الله مکارم شیرازی و مقام معظم رهبری چیست؟

پاسخ: طبق استفتای شفاهی از دفتر مقام معظم رهبری و دفتر آیه الله مکارم شیرازی، در جواب فرمودند: بی شک مراسم سوگواری امام حسین<sup>۷</sup> از افضل قربات است، ولی نباید کاری کرد که موجب وهن مذهب در نظر دیگران شود. هم چنین اگر افراد نامحرم او را ببینند، وظیفهء شخص پوشیدن لباس می باشد. علاوه بر این که خانم هائیز باید از نگاه کردن به شخص که برهنه شده، خودداری کنند. ضمن این که عزاداری حضرت سیدالشهدا<sup>۷</sup> از موجبات مهم تقویت دین است، نباید آن را آلوده به کارهای نادرست و خلاف شرع نمود.<sup>۲</sup>

سوال: طبق فتوای آیت الله بهجت سینه زدن و عزاداری کردن با بدن برهنه در جایی که نامحرم نباشد، چه حکمی دارد؟

---

۱ آیت الله فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۱ ص ۶۱۹

۲. محمد محمدی اشتهاردی

۱۰۲..... جستاری در تحریفات آیین عزاداری

پاسخ: سینه زدن و عزاداری برای حضرت اباعبدالله الحسین<sup>۷</sup> و اصحاب با وفایش، از افضل قربات است و ثواب دارد، گرچه بر اثر شدت عزاداری پوست بدن سرخ شود.

سوال: آیا برهنه شدن هنگام عزاداری در مسجد یا حسینیه یا جای دیگر اشکالی دارد؟

پاسخ: برهنه شدن هنگام عزاداری و سینه زدن یا زنجیر زدن اشکالی ندارد.<sup>۱</sup>

سوال: حکم استفاده از طبل، سنج و زنجیر در عزاداری امام حسین<sup>۷</sup> چیست؟

پاسخ: استفاده از این وسائل در عزاداری اگر مستهجن و موهن نباشد و مشتمل بر حرام نباشد، یعنی به نحو غنائی و مطرب نواخته نشود، اشکالی ندارد.<sup>۲</sup> و به فتوای آیت الله بهجت<sup>۳</sup> از طبل و سنج و آلات موسیقی احتیاطاً خودداری کنند. [سؤال از دفتر ایشان].

سوال: بیرون آوردن پیراهن و لخت شدن در عزاداری چگونه است؟

---

۱. آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، ص ۶۱۹؛ آیت الله تبریزی، استفتانات جدید، ص ۴۵۳.

۲. آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، ص ۲۱۷۴؛ آیت الله مکارم، استفتانات جدید، ج ۱، ص ۵۱۶؛ آیت الله خامنه‌ای، اجوبه‌الاستفتانات، ج ۲، متفرقات؛ آیت الله سیستانی، سؤال از دفتر ایشان.

جستاری در تحریفات آیین عزاداری ..... ۱۰۳

پاسخ: اشکالی ندارد، ولی بر زنان لازم است از نگاه کردن خودداری کنند.<sup>۱</sup>

سوال: لخت شدن به هنگام سینه‌زنی برای ائمه اطهار در مکان‌های مختلف چگونه است؟

پاسخ: سنت سینه‌زنی که به طرز فوق انجام گرفته شایسته هیچ گونه مخالفت با آن نیست. ولی در مورد مذکور بر زنان لازم است از نظر کردن خودداری کنند.<sup>۲</sup> لخت شدن مرد اشکالی ندارد ولی نظر زن به بدن مرد اجنبی جایز نیست.<sup>۳</sup>

سوال: استفاده از عَلم در مراسم عزاداری سیدالشهدا<sup>۷</sup> یا قرار دادن آن در مجلس عزا و یا حمل آن در دسته عزاداری چه حکمی دارد؟

پاسخ: اشکال ندارد.<sup>۴</sup> فی نفسه اشکال ندارد، ولی نباید این امور جزء دین شمرده شود.<sup>۵</sup> استفاده از آن در حد متعارف اشکال

---

۱. آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۲۱۶۲؛ آیت الله بهجت، سؤال از دفتر ایشان؛ آیت الله مکارم، سؤال از دفتر ایشان؛ آیت الله سیستانی، سؤال از دفتر ایشان.

۲. جامع المسائل ۱ / ۶۲۰

۳. استفتاءات امام (ره) ج: ۳ ص: ۲۵۰

۴. امام استفتاءات، ج ۲، مکاسب محرمه، س ۷۲؛ تبریزی، استفتاءات، س ۲۰۰۷؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۲۱۷۴؛ مکارم، استفتاءات، ج ۱ س ۵۷۹؛ سیستانی، سایت، شعائر دینی، س ۶.

۵. اجوبة الاستفتاءات، س ۱۴۴۴.

۱۰۴..... جستاری در تحریفات آیین عزاداری

ندارد.<sup>۱</sup> حمل عَلم بعید نیست از تعظیم شعائر محسوب شود و بی‌اشکال باشد.<sup>۲</sup>

سوال: لخت شدن در عزاداری چگونه است و اگر بر اثر سینه زنی ، بدن سرخ شود، چه حکمی دارد؟

پاسخ: بر زنان لازم است به بدن مردان نگاه نکنند و سینه زنی و زنجیر زنی ولو با سرخ شدن بدن، اگر ضرر قابل توجه نداشته باشد جایز است.<sup>۳</sup>

---

۱ . نوری همدانی، استفتاءات، ج ۲، س ۵۹۸ و ۶۰۴.

۲ . صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۵۹۵.

۳ . جامع المسائل آیت الله فاضل، ج ۱، ص ۶۱۹



## سخن پایانی

نگاه برون دینی به مذاهب و ادیان بخش مهمی از نحوه قضاوت به یک دین یا مذهب را سامان می‌دهد. امروزه در مباحث دین شناسی تطبیقی و بحث‌های برون دینی نحوه قضاوت بیرونی از دین امری کاملاً علمی و مستدل است.

لذا مذهب شیعه نیز فارغ از این موضوع نیست بعلاوه که در اسلام فرق و مذاهب مختلفی وجود دارند و بخشی از فرقه‌های خود ساخته و افراطی همچون وهابیت نیز تمام تلاش خود را در تضعیف و رکود مذهب شیعه صرف می‌کنند. از سوی دیگر وضعیت فعلی شیعه و حکومت جمهوری اسلامی ایران در جهان به گونه‌ایست که حساسیتهای فراوانی بخاطر درخشش این کانون دینی و قدرت تولید گفتمان معنویت بر روی آن وجود دارد.

امروزه بسیاری از سایتهای ضد شیعی اعم از دینی همچون وهابیت و سکولار همچون سایتهای ضد دینی در پی آن هستند تا با توطئه و بزرگنمایی پاره ای از نواقص، آموزه ها و گزاره های شیعی را با سؤال و شبهه مواجه کنند و آن را در منظر مخاطبین و افکار عمومی مشوش و ناقص جلوه دهند.

یکی از موضوعاتی که مستمسک این جریانات قرار گرفته و بشدت آن را تحت نظر و ارزیابی و دروغ پراکنی قرار می دهند مفاهیم و رفتارهای منسوب به مراسم عزاداری است.

بررسی فضاهای مجازی حکایت گر هجمه همه جانبه مخالفان شیعی است تا بتوانند با دستاویز قرار دادن پاره ای از رفتارهای افراطی و غیر عقلانی پنجه بر چهره آفتاب حقیقت بکشند.

از مهمترین تبلیغاتی که بر علیه شیعه صورت می گیرد مراسم و مناسک عزاداری است که امروزه به مدد فضای ارتباطی مجازی قابلیت انتقال به سراسر دنیا را دارد.

یکی از اصول مشخص اسلام حفظ شأن و جایگاه و موقعیت بیرونی اسلام در منظر جهانیان است. لذا نباید با پاره ای از رفتارهای افراطی و برگزاری مراسمی که وهن اسلام و شیعه است زمینه هجمه پراکنی دشمنان را فراهم بیاوریم. وهابیت با توجه به فقر تئوریک و مبانی نظری خود تمام هویت خود را در دشمن تراشی و عداوت با شیعه می بیند و در شبهه افکنی بر علیه شیعه نیز صرفاً بر رفتارهای بیرونی شیعیان همچون مراسم عزاداری و

جستاری در تحریفات آیین عزاداری ..... ۱۰۷

آئین‌های نوحه سرایی و... متمرکز کرده است. لذا جنبه عقلانی و نیز جنبه شرعی و دینی حکم می‌کند که چهره‌ای معقول از اندیشه و رفتار دینی به نمایش بگذاریم علاوه بر اینکه تمام این مراسمات و برگزاری مناسبات دینی و مذهبی و برپایی شعائر به منظور رعایت و حفظ شریعت مقدسه است. لذا باید این رفتارها نیز در قالب و قواره شریعت بگنجد و با کراهت و حرمت شرعی مورد تردید و تهدید قرار نگیرد.

قطعاً هیأت مذهبی، دسته‌های عزاداری هم از نیروهای متشرع جامعه هستند و به هیچ وجه نمی‌پسندند که بر چهره مشعشع دین غبار تحریف و تأویل بنشینند.

امید است با رعایت اصول و موازین شرعی بتوانیم فرهنگ عاشورا و مراسم عزاداری حضرت اباعبدالله الحسین را که موتور محرک جامعه شیعی است و بدون آن هیچ خبری از اسلام فعال و پویا نخواهد بود، روز بروز با عظمت و غنای معنوی بیشتری برگزار نماییم.



## تأويل الآيات الحسينية

١- « وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَ وَضَعَتْهُ كُرْهًا »<sup>١</sup>.

و انسان را درباره پدر و مادرش به نیکی سفارش کردیم. مادرش با تحمل رنج و زحمت او را باردار شد و با رنج و زحمت او را وضع حمل نمود.

« ... قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ٧ لَمْ تَرَ فِي الدُّنْيَا أُمَّ تَلِدُ غُلَامًا تَكْرَهُهُ وَ لَكِنَّهَا كَرِهَتْهُ لِمَا عَلِمَتْ أَنَّهُ سَيُقْتَلُ قَالَ وَ فِيهِ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَ وَضَعَتْهُ كُرْهًا وَ حَمَلُهُ وَ فَصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا<sup>٢</sup> »

---

١ - الاحقاف/ ١٥

٢ - الكافي ج : ١ ص : ٤٦٤- تفسير نور الثقلين، ج ٥، ص : ١١

در دنیا کسی ندیده است که مادری از دنیا آوردن  
فرزندش ناراحت باشد! اما فاطمه ص از آمدن فرزندش  
اندوهناک بود چرا که می دانست و آگاه بود که فرزندش  
را می کشند و به این همین خاطر بود که آیه ی : « وَ  
وَصَيَّنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ  
كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا » نازل شد.

۲- اُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأْتِنَهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ  
لَقَدِيرٌ (۳۹) الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ  
يَقُولُوا رَبَّنَا اللَّهُ... (۴۰) :

به کسانی که [ستمکارانه] مورد جنگ و هجوم قرار می گیرند، به  
سبب آنکه به آنان ستم شده اذن جنگ داده شده، مسلماً خدا بر  
یاری دادن آنان تواناست. (۳۹) همانان که به ناحق از  
خانه هایشان اخراج شدند [و گناه و جرمی نداشتند] جز اینکه  
می گفتند: پروردگار ما خدا است... (۴۰)

صاحب تأویل الآیات چنین بیان می کند<sup>۲</sup> :

« تأویله : عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ<sup>۷</sup> فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى :  
الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبَّنَا اللَّهُ ،

---

۱ - حج : ۳۹ و ۴۰

۲ - تأویل الآیات الظاهرة، ص: ۳۳۵

قَالَ نَزَلَتْ فِي رَسُولِ اللَّهِ ۹ وَ عَلِيٍّ وَ حَمْزَةَ وَ جَعْفَرَ وَ  
جَرَتْ فِي الْحُسَيْنِ: أَجْمَعِينَ ۱.

۳- « أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا  
الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ  
مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا  
رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْ لَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ  
قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَىٰ وَلَا تُظَلِّمُونَ  
فَتِيلًا ۲.

« آیا ندیدی کسانی را که [پیش از اعلام حکم جهاد] به آنان گفته  
شد: [چون زمینه جنگ فراهم نیست] دست از جنگ بازدارید و  
[در این شرایط] نماز را بر پا دارید، و زکات بپردازید. ولی  
هنگامی که جنگ بر آنان لازم و مقرر شد، ناگاه گروهی از آنان  
مانند ترس از [عقوبت] خدا یا ترسی سخت‌تر از آن از مردم  
[مُشْرک] ترسیدند و گفتند: پروردگارا! چرا جنگ را بر ما لازم و  
مقرر کردی؟ و چرا ما را تا زمانی نزدیک [که زمان مرگ طبیعی  
است] مهلت ندادی؟ بگو: متاع دنیا اندک، و آخرت برای آنان که

---

۱ - الکافی ج : ۸ ص : ۳۳ع

۲ - نساء / ع

تقوا ورزیده‌اند بهتر است و به اندازه رشته میان هسته خرما مورد  
ستم قرار نمی‌گیرند»<sup>۱</sup>.  
تأویل آیه ی شریفه<sup>۲</sup> :

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ مَعَ الْحَسَنِ ۷ وَ  
أَقِيمُوا الصَّلَاةَ... فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ مَعَ الْحُسَيْنِ ۷  
قَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْ لَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ  
قَرِيبٍ إِلَىٰ خُرُوجِ الْقَائِمِ ۷ فَإِنَّ مَعَهُ النَّصْرَ وَالظَّفَرَ قَالَ اللَّهُ  
قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَىٰ وَلَا تُظْلَمُونَ  
قِتَالًا .

آیا ندیدی کسانی را که به آنها گفته شد : اینک با امام  
حسن<sup>۷</sup> از جهاد و قتال دست بردارید و به جهاد فکری و  
عقیدتی بپردازید و نماز اقامه کنید و در زمانی که پیکار  
در راه خدا به همراه امام حسین<sup>۷</sup> بر آنها واجب شد گفتند  
: خدایا چرا بر ما جهاد را مقرر فرمودی ؟ چرا تا زمان  
ظهور آخرین امام به ما مهلت ندادی ؟ چرا که قیام او  
همراه با پیروزی همه جانبه و غلبه کامل بر کفر و شرک  
و نفاق خواهد بود. در همین مضمون روایتی از امام  
صادق<sup>۷</sup> نیز وارد شده است<sup>۳</sup> .

۱ - ترجمه انصاریان، ص: ۹۰

۲ - تفسیر العیاشی ج : ۱ ص : ۲۵۸- تفسیر نور النقلین، ج ۱، ص: ۵۱۹

۳ - بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۱ ع



جستاری در تحریفات آیین عزاداری ..... ۱۱۳

۴- « يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ (۲۷) ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً (۲۸) فَادْخُلِي فِي عِبَادِي (۲۹) وَ ادْخُلِي جَنَّتِي (۳۰) »<sup>۱</sup>.

« ای جان آرام گرفته و اطمینان یافته! (۲۷) به سوی پروردگارت در حالی که از او خشنودی و او هم از تو خشنود است، باز گرد. (۲۸) پس در میان بندگانم در آی (۲۹) و در بهشتم وارد شو. (۳۰) »<sup>۲</sup>.  
امام صادق ع فرمودند: سوره ی فجر را در نماز های واجب و مستحبیتان بخوانید و به آن گرایش زیادی داشته باشی چرا که این سوره، سوره ی امام حسین<sup>۷</sup> است.

ابوآسامه به امام صادق<sup>۷</sup> گفت: چطور این سوره اختصاص به امام حسین<sup>۷</sup> دارد؟! امام<sup>۷</sup> در پاسخ فرمودند: آیا تا به حال آیه ی « يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَ ادْخُلِي جَنَّتِي » را نشنیده ای؟ مراد از نفس مطمئنه در این آیه حسین بن علی<sup>۷</sup> است:

فَهُوَ ذُو النَّفْسِ الْمُطْمَئِنَّةِ الرَّاضِيَةِ الْمَرْضِيَّةِ وَأَصْحَابُهُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمُ الرِّضْوَانِ [هُمُ الرَّاضُونَ] عَنِ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ هُوَ رَاضٍ عَنْهُمْ وَ هَذِهِ السُّورَةُ فِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ<sup>۷</sup> وَ شِيعَتِهِ وَ شِيعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً فَمَنْ أَدْمَنَ قِرَاءَةَ

۱ - الفجر/۲ع۲۸

۲ - ترجمه انصاریان، ص: ۵۹۴

الْفَجْرِ كَانَ مَعَ الْحُسَيْنِ ۷ فِي دَرَجَتِهِ فِي الْجَنَّةِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ  
حَكِيمٌ ۱

امام حسین ۷ و اصحاب جانبازش همان نفس راضیه ی مرضیه هستند آنها از خدای متعال راضی اند و خدا نیز از آنها رضایت کامل دارد و این سوره ، سوره ی حسین بن علی ۷ و اصحابش و سوره ی شیعیان آل محمد ۹ است و کسی که به خواندن این سوره مداومت بورزد در بهشت برین الهی هم درجه و هم جایگاه با امام حسین ۷ خواهد بود.

#### ۵- کهیص ۲

« كَهَيْصِ فَأُكَّافُ اسْمُ كَرْبَلَاءَ وَ الْهَاءُ هَلَاكُ الْعِتْرَةِ  
الطَّاهِرَةِ وَ الْيَاءُ يَزِيدُ وَ هُوَ ظَالِمُ الْحُسَيْنِ وَ الْعَيْنُ عَطَشُهُ وَ  
الصَّادُ صَبْرُهُ » ۳ کاف رمز کربلاست و ها، رمز هلاکت عترت رسول الله و یاء اشاره به یزید علیه اللعنه است که بر حسین بن علی ۷ ستم کرد و عین حاکی از عطش اوست و صاد اشاره به صبر آن حضرت است.

۱ - بحار الأنوار ج : ۲۴ ص : ۹۳- تأویل الآيات الظاهرة، ص: ۶۹۹

۲ - مریم : ۱

۳ - بحار الأنوار ج : ۱۴ ص : ۸۶۱

۶- «... وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا»<sup>۱</sup>.

و هر کس مظلوم [و به ناحق] کشته شود، برای وارثش تسلطی بر قاتل [جهت خونخواهی، دیه و عفو] قرار داده‌ایم، پس وارث مقتول نباید در کشتن زیاده روی کند زیرا او [با قوانین صحیح و درستی چون دیه و قصاص] مورد حمایت قرار گرفته است<sup>۲</sup>.  
از امام باقر<sup>۷</sup> منقول است که ایشان فرمودند: این قسمت از آیه، اشاره به امام حسین<sup>۷</sup> دارد؛

« وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ قَالَ<sup>۷</sup> نَزَلَتْ فِي قَتْلِ الْحُسَيْنِ<sup>۷</sup> إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا أَيْ وَلِيُّ الْحُسَيْنِ كَانَ مَنْصُورًا ».

۷- «وَ إِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ (۸) بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ (۹)»<sup>۴</sup>

« و هنگامی که از زنده به گور بیرسند به کدام گناه کشته شده؟ »<sup>۵</sup>  
ابن عباس می گوید این سؤال در واقع، سؤال از قاتل است نه از مقتول و مؤید آن اینست که در روایتی از جابر جعفی است از امام صادق<sup>۷</sup>: « قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنِ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ

۱ - اسراء/ ۳۳

۲ - ترجمه انصاریان، ص: ۲۸۵

۳ - تأویل الآيات الظاهرة، ص: ۴۲

۴ - تکویر: ع و ۸

۵ - ترجمه انصاریان، ص: ۵۸۶

إِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ قَالَتْ مَنْ قُتِلَ فِي مَوَدَّتِنَا سُئِلَ قَاتِلُهُ عَنْ قَتْلِهِ<sup>۱</sup>؛ او می گوید از امام صادق<sup>۷</sup> سؤال کردم که مراد از این کلام چیست؟ ایشان چنین پاسخ دادند: از قاتلان سؤال می شود که به چه جرمی شیعیان و دوستان ما را به قتل رسانید؟.

۱- « وَ قَدَّيْنَاهُ بِذَبِيحٍ عَظِيمٍ »<sup>۲</sup>.

« و ما اسماعیل را در برابر قربانی بزرگی [از ذبح شدن] رها نمودیم »<sup>۳</sup>.

امام رضا<sup>۷</sup> در روایت طولانی تفسیر این آیه را ذکر میکنند و در انتهی چنین می فرمایند: سپس خطابی از مصدر جلال الهی رسید که: « يَا إِبْرَاهِيمُ قَدْ فَدَيْتُ جَزَعَكَ عَلَى ابْنِكَ إِسْمَاعِيلَ لَوْ دَبَّحْتَهُ بِبَيْدِكَ بِجَزَعِكَ عَلَى الْحُسَيْنِ وَقَتْلِهِ وَأَوْجَبْتُ لَكَ أَرْفَعَ دَرَجَاتٍ أَهْلِ الثَّوَابِ عَلَى الْمَصَائِبِ » که ای ابراهیم<sup>۷</sup> جزع و فغان تو را فدای فرزندان اسماعیل قرار دادم، مثل آنکه اسماعیل را به دست خودت فدا کرده ای، چون بر حسین<sup>۷</sup> و شهادت او مویه نمودی، تو را به بلندترین درجاتِ ثوابِ کسانی که بر مصائب حسین<sup>۷</sup>

۱ - بحار الأنوار ج : ۲۳ ص : ۲۵۴ - تفسیر فرات الکوفی، ص: ۵۴۲

۲ - صافات / ۱۰ع

۳ - ترجمه انصاریان، ص: ۴۵۰

جستاری در تحریفات آیین عزاداری ..... ۱۱۷

گریستن ، می رسانم و این تفسیر و معنای « وَ فَدَيْنَاهُ بِذِيحِ عَظِيمٍ » است<sup>۱</sup>.

۹- « فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ »<sup>۲</sup>.

چون نزد آن آمد، از جانب راست آن وادی در آن جایگاه مبارک از آن درخت ندا رسید که: ای موسی! یقیناً منم خدا پروردگار جهانیان<sup>۳</sup>.

ربعی از امام صادق<sup>۷</sup> چنین نقل می کند :

عَنْ رَبِيعٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ<sup>۷</sup> شَاطِئُ الْوَادِ الْأَيْمَنِ الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ هُوَ الْفُرَاتُ وَ الْبُقْعَةُ الْمُبَارَكَةُ هِيَ كَرْبَلَاءُ وَ الشَّجَرَةُ مُحَمَّدٌ<sup>۶</sup> .

مراد از « شَاطِئُ الْوَادِ الْأَيْمَنِ »<sup>۵</sup> که در این آیه از کتاب الهی قرآن ذکر شده است « فرات » است و منظور از «

۱ - بحار الأنوار ج : ۱۲ ص : ۱۲۴

۲ - قصص / ۳۰

۳ - ترجمه انصاریان، ص: ۳۸۹

۴ - بحار الأنوار ج : ۱۳ ص : ۱۳۷ - الأصفی فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص: ۹۲۷

۵ مستدرک الوسائل ج : ۱۷ ص : ۲۳

الْبَيْعَةُ الْمُبَارَكَةُ « کربلا و غرض از « الشَّجَرَةُ » پیامبر  
اسلام محمد است.

۱۰- وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ  
انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ<sup>۱</sup>

و با آنان بجنگید تا فتنه‌ای [چون شرک، بت پرستی و حاکمیت  
کفار] بر جای نماند و دین فقط ویژه خدا باشد. پس اگر بازایستند  
[به جنگ با آنان پایان دهید و از آن پس] تجاوزی جز بر ضد  
ستمکاران جایز نیست.

عَنْ الْهَرَوِيِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا<sup>۷</sup> يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا  
تَقُولُ فِي حَدِيثِ رُوِيَ عَنِ الصَّادِقِ<sup>۷</sup> أَنَّهُ قَالَ إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ قَتَلَ  
ذَرَارِيَّ قَتَلَةَ الْحُسَيْنِ<sup>۷</sup> بِفِعَالٍ آبَائِهَا فَقَالَ<sup>۷</sup> هُوَ كَذَلِكَ فَقُلْتُ وَ قَوْلُ  
اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى مَا مَعْنَاهُ قَالَ صَدَقَ اللَّهُ  
فِي جَمِيعِ أَقْوَالِهِ وَ لَكِنْ ذَرَارِيُّ قَتَلَةَ الْحُسَيْنِ يَرْضُونَ بِفِعَالٍ آبَائِهِمْ وَ  
يَفْتَخِرُونَ بِهَا وَ مَنْ رَضِيَ شَيْئًا كَانَ كَمَنْ أَتَاهُ وَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَتَلَ  
بِالْمَشْرِقِ فَرَضِيَ بِقَتْلِهِ رَجُلٌ بِالْمَغْرِبِ لَكَانَ الرَّاضِي عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ  
جَلَّ شَرِيكَ الْقَاتِلِ وَ إِنَّمَا يَقْتُلُهُمُ الْقَائِمُ ع إِذَا خَرَجَ لِرِضَاهُمْ بِفِعْلِ  
آبَائِهِمْ<sup>۲</sup> هَرَوِي می گوید از امام رضا<sup>۷</sup> سؤال کردم که در روایتی  
از امام صادق<sup>۷</sup> آمده است که زمان خروج قائم<sup>۷</sup> فرزندان قاتلین

۱ - بقره: ۱۹۳

۲ - بحار الأنوار ج: ۴۵ ص: ۲۹۵

امام حسین <sup>۷</sup> به علت قتل پدرانشان <sup>۷</sup> کشته خواهند شد! ایشان فرمودند این کلام درست است. سؤال کردم این کلام با آیه ی « وَ لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى » در تعارض است، ایشان فرمودند: چون فرزندان قاتلین امام حسین <sup>۷</sup> نیز به افعال پدرانشان راضی بودند و به آن افتخار می نمودند و بدان که هر کسی راضی به امری باشد مانند اینست که آن را انجام داده است پس به فرض اگر کسی در مشرق کشته شود و کسی در مغرب راضی به قتل او باشد نزد خداوند متعال این فرد راضی، شریک قاتل است به همین سبب حضرت قائم <sup>۷</sup> از این فرزندان نیز انتقام خواهد گرفت.